



سازمان امنیت و همکاری اروپا
دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر
جمهوری اسلامی افغانستان

انتخابات پارلمانی

18 سپتمبر 2010

گزارش تیم حمایت از انتخابات دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا



وارسا
26 نومبر 2010

فهرست عناوین

1. مقدمه..... 1
2. مروری بر انتخابات پارلمانی 2010..... 2
3. حرکت پیشروانه: پروسه اصلاحات انتخاباتی..... 4
4. هفت ساعه دارای اولویت برای اصلاح انتخابات..... 7
- الف. ساعه دارای اولویت 1: اصلاح چارچوب قانونی انتخابات..... 7
- ب. ساعه دارای اولویت 2: تقویت مکانیزم ها برای اولویت بندی مؤثر حقوق انتخاباتی..... 8
- ج. ساعه دارای اولویت 3: تبدیل کمیسیون مستقل انتخابات به یک اداره مدیریت انتخاباتی مستقل، مسلکی و بی طرف..... 10
- د. ساعه دارای اولویت 4: انکشاف سیستم ثبت نام فراگیر برای حفظ اعتبار و انسجام انتخابات..... 11
- ه. ساعه دارای اولویت 5: ایجاد محدوده های رأی دهی مورد قبول:..... 13
- و. ساعه دارای اولویت 6: تحکیم احزاب سیاسی مؤثر..... 14
- ز. ساعه دارای اولویت 7: تقویت نظارت داخلی منحيث ابزار ضروری برای بررسی موشگافانه انتخابات..... 16
- ضمیمه 1: اصول بین المللی و توصیه های دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا در سال 2009..... 16
- ضمیمه 2: اختصارات..... 31
- در مورد دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا..... 32

جمهوری اسلامی افغانستان

انتخابات پارلمانی

18 سپتمبر 2010

گزارش تیم حمایت از انتخابات دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر/ODIHR

1. مقدمه

بنا به درخواست دولت جمهوری اسلامی افغانستان، شورای دایمی دفتر نهاد های دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر این سازمان را موظف ساخت تا تیمی را برای همکاری در انتخابات پارلمانی سپتمبر 2010 استخدام نماید. قرار شد این تیم یک گزارش در مورد پروسه انتخابات ترتیب دهد. این گزارش شامل مجموعه پیشنهاداتی [...] می باشد که در صورت ضرورت در خلال دوره بعد از انتخابات قابل تطبیق باشند.¹ تیم حمایت از انتخابات دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا به تعداد 8 متخصص را در کابل به مدت پنج هفته مستقر نمود تا در روز انتخابات از نزدیک با افراد و ارگانهای ذیربط افغان و بین المللی کار نمایند.

انتخابات پارلمانی نشانگر پیشرفت در عرصه برگزاری انتخابات می باشد و از سوی دیگر برگزاری انتخابات مشکلات جدی را برجسته ساخته است که باید در سال های آتی بدان پرداخته شود. این مشکلات و چالش ها از گذشته وجود داشته اند. تنها در سال 2009، دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا 136 توصیه به منظور بهبود و تطبیق انتخابات افغانستان ارائه داد. در کنار گزارشات سال های 2004 و 2005 دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا² و همچنین گزارشات داخلی و بین المللی، در حال حاضر سلسله پیشنهاداتی در رابطه با اصلاح روند انتخابات وجود دارد.

با توجه به وجود تعداد گسترده ای از توصیه ها در رابطه با چگونگی برگزاری انتخابات، تیم حمایت از انتخابات دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا، به جای ارائه پیشنهادات جدید، توجه خود را بر فعالیت در عرصه هائیکه اولویت دارند³ متمرکز ساخته است. توجه به بعد اجرایی، بنا به درخواست کمیسیون مستقل انتخابات می باشد.⁴ افزون بر این، این امر مطابق با اهدافی می باشد که مقامات افغانی در کنفرانس بین المللی کابل در 20 جولای 2010 اعلام نمودند؛ کنفرانسی که در آن این اشخاص متعهد شدند تا "در خلال شش ماه، یک استراتژی را برای اصلاحات انتخاباتی در درازمدت آغاز نمایند که این استراتژی به طور خاص به مسئله ثبات پروسه انتخابات بپردازد".⁵ نهایتاً رسیدگی به مسئله تطبیق یک تصمیم بموقع است، زیرا وقفه دو ساله تا انتخابات بعدی امکان آغاز پروسه اصلاح انتخابات را که در کنفرانس کابل تعهد شده بود، فراهم می کند.⁶

¹ - فیصله شماره 953 شورای دائمی OSCE، به تاریخ 29 جولای 2010.

² - کلیه گزارشات قبلی از طریق آدرس روبرو قابل دسترسی می باشند:

<http://www.osce.org/odihr-elections/33049.html>

³ - این عرصه های که توسط تیم حمایت از انتخابات منحبث عرصه هایی که شدیداً نیازمند تطبیق اصلاحات می باشند، تشخیص شده اند، عبارتند از: اصلاح چارچوب قانونی انتخابات، تقویت مکانیزم های حفاظت موثر از حقوق رأی دهندگان، ایجاد کمیسیون مستقل انتخابات منحبث یک هیئت تخنکی و بی طرف در عرصه مدیریت انتخابات، ثبت گسترده رأی دهندگان جهت حفظ شفافیت و انسجام انتخابات، مرز بندی انتخاباتی، تحکیم و تثبیت احزاب سیاسی موثر و بهبود نظارت داخلی بر انتخابات.

⁴ - جلسه بین آقای معنوی، کمیشنر کمیسیون مستقل انتخابات، آقای احمد زی (افسر ارشد انتخابات "CEO") و /دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا به تاریخ 15 جون 2010

⁵ - ماده 9 اعلامیه کنفرانس کابل درباره افغانستان، 20 جولای 2010.

⁶ - این امر مبتنی بر این فرضیه است که انتخابات سطوح پایین تر که در قانون اساسی از آن ذکر رفته است، به تعویق خواهند افتاد. انتخابات ولسوالی و سطوح پایین، در حال حاضر به دلیل عدم مرز بندی های انتخاباتی و فقدان معلومات کافی در مورد رأی دهندگان دچار مشکل می باشد. علاوه بر این، هدف و وظیفه قانونی هیئت های انتخاب شده در سطوح پایین به طور کامل مشخص نمی باشد.

مطابق با این حکم و با در نظر داشت این رویکرد، این سند در مورد انتخابات پارلمانی 18 سپتمبر گزارش ارائه کرده و در صدد تداوم گفتار جاری در مورد اصلاح پروسه انتخابات در افغانستان می باشد. این سند یک روش قابل تطبیق برای اجرای اصلاحات انتخاباتی در درازمدت برای مقامات افغانستان و جامعه بین المللی ارائه می نماید. در حالی که این گزارش، هفت ساحه ایرا که اولویت دارند (که چالش آور بوده و شدیداً به تطبیق اصلاحات ضرورت دارند) را مورد بررسی قرار می دهد، اما لست جامعی از مسائل را ارائه نمی کند که با بررسی آنها بتوان پروسه انتخابات در افغانستان را بهبود بخشید. پیشنهادهایی که در گزارشات قبلی دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا ارائه گردیده است، هنوز در ایجاد پروسه بادوام دموکراتیک، ارزش و اهمیت خود را از دست نمی دهند. افغانستان، با وجود اینکه همکار سازمان امنیت و همکاری اروپا است، ولی عضو مجموعه تعهدات سازمان امنیت و همکاری اروپا در مورد انتخابات دموکراتیک، که در سند 1990 کوپنهاگن گنجانیده شده است، نمی باشد. با این همه، در سال 1983، افغانستان میثاق بین المللی ملل متحد در رابطه با حقوق مدنی و سیاسی را امضا نمود. این میثاق حقوق و مکلفیت هایی را در رابطه به انتخابات دموکراتیک مقرر می کند. کنوانسیون و ملاحظات عمومی معتبری که توسط هیئت ناظره⁷ میثاق های ملل متحد ارائه شده اند، مبنای جهت گیری ها و معیارهای مورد توافق اصلاحات پروسه انتخابات در افغانستان را تشکیل می دهد.

2. مروری به انتخابات پارلمانی 2010

انتخابات پارلمانی ایکه در تاریخ 18 سپتمبر برگزار شد، مدت اندکی پس از انتخابات جنجالی ریاست جمهوری و شورای ولایتی در سال 2009 سازمان دهی شد. این در حالی است که دو انتخابات دیگر تحت شرایط دشوار برگزار شده بودند. این انتخابات توأم با پیشرفت های مثبت اما دچار کمبود های جدی و سیستمی نیز بوده اند. علیرغم وجود پیشرفت های واضح در درون کمیسیون مستقل انتخابات، میزان بالایی از تقلب، خشونت و درگیری مشاهده شده است که از اعتبار پروسه انتخابات و اعتماد مردمی نسبت به آن کاسته است.

این انتخابات تحت قانون تعدیل یافته انتخابات که بواسطه حکم مورخ فیروزی 2010 رئیس جمهور، به تصویب رسیده بود، بدون مشورت کافی برگزار گردید که مشوره با پارلمان را نیز در بر نداشت. این مسئله منجر به کاهش قدرت قانون مذکور شده است زیرا پروسه با حمایت مردمی گسترده روبرو نشد. تصویب دیر هنگام این قانون، منجر شد تا کمیسیون مستقل انتخابات وقت کمی برای تطبیق طرز العمل ها و مقررات جدید داشته باشد. این قانون حاوی احکامی است که مطابق با تعهدات حقوق بشری افغانستان نبوده و در رابطه به مسائل مهم دیگری مانند محدوده های زمانی برای رسیدگی به شکایات مسکوت است.

کدر رهبری کمیسیون مستقل انتخابات پیش از این انتخابات، بنا به توصیه های پیشین منصوب گردید. کمیسیون مستقل انتخابات از طریق این کدر اصلاحات قابل ملاحظه ای را در مدت بسیار کوتاهی که پیش از روز انتخابات میسر بود، تطبیق نمود که منجر به گسترش شفافیت و بهبود پلان گذاری ها و طرز العمل ها گردید. این اصلاحات شامل برگزاری جلسات باز و شفاف، انتشار تصامیم و نشر نتایج نظرسنجی های انفرادی در قالب هایی است که به سهولت قابل دسترسی باشد. کمیسیون مستقل انتخابات همچنین 6000 فرد متهم به تقلب در سال 2009 را از سمت هایشان برکنار کرد و یک سیستم استخدام جدید را جهت برکنار سازی افراد متهم به تقلب عرضه نمود. اما این پیشرفت ها هنوز هم باید نهادینه شوند زیرا آنها تاکنون در قانون تثبیت نشده اند و در حال حاضر وابسته به اعمال انفرادی و حمایت جامعه بین المللی می باشند.

این انتخابات دارای شکل رقابتی بوده و با حضور 2506 نفر برای تصاحب 249 چوکی برگزار شد که به اساس 34 ولایت تقسیم بندی شده بود و از این رو یک امکان انتخاب گسترده و معتبر را برای رأی دهندگان فراهم کرده بود. با این همه، پروسه ثبت نام کاندیدها بواسطه ادعاهای مکرر دخالت جنگ سالاران و سایر اشخاص وابسته به گروه های مسلح

⁷ - به ماده 25 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و تبصره عمومی شماره 25 کمیته حقوق بشر ملل متحد که قابل دسترسی در سایت ذیل میباید مراجعه شود:

غیرقانونی که برخلاف احکام قانونی اجازه کاندیداتوری و ورود به ارگانهای منتخب را داشتند، دچار اختلال شده است. مطابق به سیستم جدید تجویز شده توسط قانون انتخابات⁸، کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی ملزم بودند تا نقش رهبری پروسه بررسی کاندیدها را به عهده داشته باشند.⁹ زیاد بودن تعداد کاندیدها در حوزه های انتخاباتی مشخص¹⁰ چالش های تخنیکی ای برای مدیریت انتخابات در زمینه طراحی برگه های رأی دهی و شمارش آراء به وجود آوردند. همچنین زیاد بودن تعداد کاندیدها، رأی دهندگان را در زمینه تشخیص کاندیدهای مورد نظرشان و علامت زدن برگه های رأی دهی دچار مشکل ساخت.

به مانند سال 2009، کمپاین انتخاباتی به دلیل بروز خشونت مختل گردید. کمیسیون مستقل انتخابات مواردی از کشته شدن اشخاص، دست کم سه تن از کاندیدها، 13 کارگر کمپاین و 2 نفر از کارمندان انتخاباتی را گزارش نمود. تعداد حوادث امنیتی در روز انتخابات بنا به گزارشات بسیار بالا و حتی از سال 2009 هم بیشتر بوده است.¹¹

همچنین گزارشات بیشماری در مورد اختطاف و تهدید وجود دارد. در نصف ولایات افغانستان، ناظرین داخلی از اعمال فشار، تهدید و زورگویی به رأی دهندگان و کاندیدها خبر داده اند. خشونت و زورگویی بین کاندیدها ظاهراً در خلال این انتخابات افزایش یافته است. در نتیجه، انتخابات بدون سر و صدا و ارتباط مستقیم با رأی دهندگان برگزار شد، و اغلب کاندیدها از محل برگزاری انتخابات دور و در سایر ولایات (معمولاً در کابل) مستقر بودند. متعاقباً، شهروندان از امکانات محدود برای برخورداری از آزادی های بنیادین، به شمول آزادی بیان، تجمع صلح جویانه، همکاری و تحرک بهره مند بودند که این موارد از ملزومات برگزاری انتخابات دموکراتیک می باشد.¹²

در روز انتخابات، موارد زیادی از بروز خشونت، تقلب و تخطی از احکام انتخابات توسط شاهدین، ناظرین و رسانه ها گزارش شد. این موارد شامل کارت های رأی دهی تقلبی، رأی دادن به دفعات، پر کردن سر خود صندوق های رأی، رأی دادن توسط اشخاص زیر سن قانونی و رأی دادن به نمایندگی از دیگران می باشند. همچنین گزارشاتی موجود می باشد حاکی از اینکه علیرغم عدم برگزاری انتخابات، نتایج ارائه شده است. تعداد گسترده ای از مشاهده کننده گان و گزارش گران از تقلب و کوشش به تقلب به میزان مشابه با سال گذشته خبر دادند، این در حالی است که طرز العمل های انتخاباتی کمیسیون مستقل انتخابات بهبود یافته بودند. همچنین این اشخاص به وجود "فرهنگ تقلب" در میان کاندیدهایی اشاره داشته اند که تصور می کردند هیچ فرصتی برای پیروزی منصفانه ندارند و از این رو به توجیه این عمل غیرقانونی خود می پرداختند.¹³

بعد از روز انتخابات، دفاتر مرکزی کمیسیون مستقل انتخابات فوراً نتایج را به همراه صندوق های آراء و سایر مواد باقی مانده در ولایات دریافت نمودند. در خلال پروسه شمارش، آشکار شد که علیرغم تطبیق معیارهای نظارتی جدید، تعداد زیادی از فورمه های نتایج از کیفیت پایین برخوردار بودند. کمیسیون مستقل انتخابات معلومات مشکوک زیادی را در اختیار داشت در حالی که از سوی دیگر بر آن فشار اعمال می شد تا نتایج را سریعاً اعلام نماید. برخلاف انتخابات گذشته، کمیسیون مستقل انتخابات، یک رویکرد فعالانه را اتخاذ نمود که منجر به ابطال 1.3 میلیون ورقه رأی شد. با این همه در رابطه با پروسه تصمیم گیری تشریحات یا مشاهداتی ارائه نگردید که این امر شفافیت پروسه ابطال و فیصله های مربوط را در معرض سوء ظن قرار می دهد. افزون بر این، تصمیمات در زمینه ابطال آراء توسط کمیسیون مستقل انتخابات مورد تجدید نظر قرار نگرفت.

⁸- بند (7) ماده 12 قانون انتخابات 2010.

⁹- یک کمیسیون سنجش و بررسی تأسیس گردید که متشکل است از نمایندگان کمیسیون مستقل انتخابات، وزارت دفاع، وزارت داخله و ریاست ملی امنیت که فیصله نهایی آن تطبیق رد صلاحیت با همکاری کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی می باشد.

¹⁰- برای مثال، در کابل، صندوق آراء حاوی 664 کاندید برای 33 چوکی بود.

¹¹- قوای بین المللی امنیتی (ایساف) افزایش وقوع حادثات بیشتر از یک سوم را نسبت به سال گذشته گزارش می دهد که در عین زمان پر خشونت ترین روز در تاریخ افغانستان پس از دوره طالبان محسوب می گردد. دفتر امنیت موسسات غیر دولتی افغانستان (ANSO)، گزارش داد که 443 عامل ضد دولت مشاهده شده است که حادثاتی را در روز انتخابات موجب شده اند (56 فیصد افزایش در بروز حادثات در روز انتخابات پارلمانی نسبت به انتخابات سال 2009). ارقام وزارت داخله نشان می دهد که 24 نفر در روز انتخابات کشته شده اند (13 افسر پولیس و 11 شخص ملکی).

¹²- برای مثال مراجعه شود به گزارشات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان: www.aihrc.org.af/2010_eng.

¹³- برای مثال مراجعه شود به گزارشات شبکه تحلیلی گران افغانستان: <http://aan-afghanistan.com>.

کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی 5856 شکایات را در رابطه با رأی گیری و شمارش آراء دریافت نموده است که از این تعداد 2495 شکایت در گروه الف دسته بندی شده اند؛ یعنی شکایاتی که می تواند نتیجه انتخابات را تغییر دهد. اکثر شکایات در سطح ولایت با کمترین نظارت از سوی دفاتر مرکزی کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی سمع شدند؛ اگرچه گزارشاتی از کمیسیون های رسیدگی به شکایات انتخاباتی موجود است حاکی از اینکه که دوسیه ها را به خاطر تهدیدات به دفاتر مرکزی کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی راجع ساخته اند. شاهدین از عدم وجود شفافیت در فعالیت های کمیسیون ولایتی رسیدگی به شکایات انتخاباتی و عدم اعلام فیصله ها در غالب موارد خبر داده اند. به نظر می رسد اکثر تصامیم کمیسیونهای ولایتی رسیدگی به شکایات انتخاباتی دچار فقدان استدلالات قانونی می باشند.

افتراء، تهمت و سایر تخلفات مربوطه، هنوز هم در زمره تخلفات جنایی باقی می مانند و به نظر می رسد که علیرغم کثرت و فعال بودن رسانه های افغانستان، هنوز هم پاره ای از چالش ها بر سر راه آزادی بیان وجود دارد که این مسئله توانایی افغانستان را برای پیروی از ماده 19 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ملل متحد محدود می سازد. همچنین نگرانی شدید در رابطه با دخالت دولت و وضع محدودیت های بیش از حد در مورد آزادی بیان در طول دوره انتخابات ابراز شده است. شبکه تلویزیونی امروز، که مالک آن یکی از کاندیداها می باشد، بواسطه فیصله اجرایی (به خاطر تحریک تنش های مذهبی) بدون مشوره ارگان های تقنینی، بسته شد. رسانه های بین المللی همچنین گزارش نمودند که در روز انتخابات حداقل سه خبرنگار بازداشت و توقیف گردیدند. گزارش گران رسانه ها نگرانی خود را در رابطه با افزایش میزان خشونت علیه خبرنگاران ابراز داشتند.

کمیسیون مستقل انتخابات 15 سازمان ناظر داخلی را برسمیت شناخته است. بزرگترین گروه ناظر بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان بود. این سازمان شبکه ای متشکل از حدوداً 24 گروه جامعه مدنی می باشد که تقریباً دارای 7000 ناظر برسمیت شناخته شده است که تقریباً یک سوم آن را زنان تشکیل می دهند. از میان این ناظران، 400 نفر ناظر درازمدت بوده و باقی مانده آنها ناظرین کوتاه مدت می باشند که در سرتاسر 34 ولایت فعالیت دارند. با این همه، تنها 222 ولسوالی تحت پوشش فعالیت های این ناظرین قرار گرفته اند. به نظر می رسد که روش نظارتی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه در سال 2010 به طور قابل ملاحظه ای قوی تر از سال های قبل باشد و این سازمان همچنین گزارش نمود که معلومات گسترده و مفصلی در رابطه با شکایات به کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی ارائه نموده است. تعدادی از کارمندان بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه، در معرض خشونت، اختطاف، رعب و تهدید قرار داشتند.¹⁴

نماینده کمیسیون محدود زنان یکی از جنبه های اصلی انتخابات پارلمانی 2010 می باشد. تنها 16 فیصد از کل کاندیداها زن بودند. به نظر می رسد زنان کاندید و کارمندان آنها آماج خشونت ها و تهدیدات طالبان و سایر گروه های مسلح غیرقانونی باشند. پایین بودن تعداد ناظرین داخلی اناث و مأمورین زن کاندیداها، امکانات بروز تقلب را در مراکز رأی گیری زنان افزایش داد.

در تاریخ 15 سپتمبر، کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی یک بیانیه مطبوعاتی را به نشر رساند که در آن اعلام شد که این کمیسیون کلیه شکایات دسته الف را که نتایج آن بر برخی از مبارزات تأثیر خواهد گذاشت، استماع نمود. همچنین در این بیانیه اعلام شد که کمیسیون در خلال مدت کوتاه کمیسیون مستقل انتخابات را از تصامیم اتخاذ شده مطلع خواهد نمود. کمیسیون مستقل انتخابات تعدیلات لازم را بر اساس یافته های کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی وارد کرد و در تاریخ 25 نومبر نتایج نهایی 33 ولایت از جمله 34 ولایت را اعلام نمود. نتایج مربوط به 11 چوکی از ولایت غزنی قبل از نشر، بیشتر مورد مرور و بررسی قرار خواهند گرفت. رئیس کمیسیون مستقل انتخابات بیان نمود که سه کاندید دیگر رد صلاحیت شدند که این مسئله تعداد کاندیدهایی را که به جرم تقلب رد صلاحیت شده اند به 24 می رساند.

3. حرکت پیشروانه: پروسه اصلاحات انتخاباتی

پیدجیگی ها و تناقضات در انتخابات اخیر برای نهادهای دولتی، احزاب سیاسی، رأی دهندگان، جامعه مدنی و همکاران انکشافی چالش آور بوده است. نگرانی های موجود به پروسه انتخابات و همچنین توانایی نهادهای انتخاب شده برای انجام

¹⁴ - چهار ناظر این بنیاد در روز انتخابات توسط مأمورین کاندیداها و صاحبان قدرت در دایکندی، فراه، کندهار، غزنی و تخار مورد لت و کوب و خشونت فیزیکی قرار گرفتند. دو نفر دیگر نیز توسط طالبان اختطاف و پس از مدتی آزاد شدند.

وظایف و فعالیت مؤثر ایشان ارتباط می گیرد. با این همه، برخلاف دوره قبل که بیش از یک سال انتخابات برگزار نشد (بعد از چرخه انتخاباتی 2004-2005)، در حال حاضر اصلاحات در اجندای مقامات افغانستان، تمویل کننده گان بین المللی و مساعدت کننده گان تخنیکي قرار دارد.

انتخابات اخیر نشانگر ماهیت و دامنه چالش های انتخاباتی در افغانستان بود. تلاش های مداوم، مستحکم و گسترده و همچنین یک استراتژی خوب تعریف شده و گسترده برای رسیدگی مؤثر به مسائل بنیادی در سال های آینده مورد ضرورت می باشند. تعهد سیاسی مقامات افغانستان برای انکشاف یک استراتژی برای اصلاحات انتخاباتی، در کنفرانس کابل در جولای 2010 صورت گرفت. قدم بعدی تنظیم پروسه اصلاحات می باشد. رهبری و مالکیت این استراتژی توسط افغان ها باید از اصول اساسی این پروسه اصلاحات باشد. به نسبت مساوی، جامعه جهانی باید اصلاحات انتخاباتی را اولویت بندی کند که در تأمین امنیت و ثبات افغانستان دارای نقش حیاتی می باشند.

پروسه انکشاف استراتژی اصلاحات برای دستیابی به پیامدهای مثبت و قابل قبول، ضروری می باشد. اولویت عاجل عبارت از توافق نظر در مورد ساختار، ترکیب و وظایف یک ارگان افغانی می باشد که مسئولیت رهبری پروسه اصلاحات را متقبل شود. می توان به برخی از عوامل از جمله ایجاد یک ارگان مؤثر که قادر به پیشبرد پروسه اصلاحات باشد، توجه نمود.

● تقویت:

اصلاح پروسه انتخابات متناسباً نیازمند تعهدات سیاسی در سطوح عالی دستگاه دولت افغانستان و جامعه بین الملل می باشد. هر گونه پیشرفت تخنیکي در این عرصه، بدون مشارکت سیاسی قوی، می تواند دارای تأثیر محدود باشد. اصلاح پروسه انتخابات باید بخش لاینفک پلان های گسترده تر برای آینده افغانستان باشد، زیرا انتخابات داخلی برای ثبات درازمدت ضروری می باشد.

● گسترده گی وظایف:

با پیشرفت تخنیکي به تنهایی نمی توان بر چالش های سیستمی انتخابات دموکراتیک غلبه کرد. طیف گسترده ای از مسائل ساختاری، به شمول چارچوب قانونی ناقص، ارگان های مدیریت انتخاباتی آسیب پذیر، سیستم های ضعیف تعادل و موازنه، احزاب سیاسی انکشاف نیافته و حفاظت ضعیف از حقوق انتخابات تأثیر منفی روی اعتبار و مؤثریت انتخابات می گذارد.

● ترکیب و پوشش گسترده:

اصلاحات انتخابات باید یک پروسه گسترده باشد و بخش های مختلف جامعه افغانستان را در بر گیرد، به شمول قوه اجرائیه، قوه تقنینیه، احزاب سیاسی، جامعه مدنی. و پارلمان منحصیث ارگان قانون گذار، باید ضمن مشارکت سایر سهم گیرندگان در انتخابات مانند کمیسیون مستقل انتخابات، کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی و سایر وزارتخانه های درگیر در سازمان دهی انتخابات، نقش برجسته ای در این پروسه ایفا نماید. جامعه بین الملل همچنین در این زمینه حمایت ها و مشاوره های لازم را فراهم کند. در حالی که پروسه تطبیق باید یک پروسه افغانی باشد، مسئولیت اصلاح موفقانه به طور گسترده با جامعه بین المللی تا زمانی که انتخابات از منابع بین المللی تمویل می گردد، تشریک گردد.

● پروسه کاملاً مشاوره ای:

مشاوره با سهم گیرندگان، به شمول گروه های جامعه مدنی که از رأی دهندگان نمایندگی می کنند، امکان ارائه پیشنهادات عملی و ایجاد اعتماد نسبت به پروسه را فراهم می کند. شامل سازی زنان و اقلیت ها در پروسه مشاوره کمک می کند تا اصلاحات تطبیق شده افغانستان را در مسیر عمل به تعهدات مربوط به برابری زنان و مشارکت آنها یاری نماید.

● شفافیت:

کاربرد یک روش خوب تعریف شده و باز در اصلاح پروسه انتخابات، در ایجاد اعتماد نسبت به این پروسه مفید خواهد بود. عامه مردم باید به میزان گسترده مطلع شوند که چه کسی مسئول اصلاحات می باشد و اصلاحات با استفاده از کدام روش تطبیق می گردد و به چه میزان پیشرفت صورت گرفته است.

• آگاهی:

در پروسه اصلاحات انتخاباتی باید تعهدات حقوقی بین المللی، شیوه های مناسب و نظرات کارشناسان در نظر گرفته شوند. معیار های حقوقی-قانونی بین المللی انتخابات، پشتوانه ایرا برای پرداختن به اصلاحات تأمین می کنند. ملاحظات و پیشنهادات عملی، زیربنای موجود و محدودیت ها باید در حصول اطمینان از واقع بینانه بودن، قابل تطبیق بودن و پایدار بودن پروسه مد نظر قرار گیرند.

• تأمین مناسب منابع:

پروسه اصلاحات برای اینکه موفقانه باشد نیازمند به کارگیری منابع انسانی و مالی می باشد. تعهدات و پیشرفت در راستای تحقق معیار های بین المللی انتخابات باید به نحو مثبت از طریق حمایت های بیشتر تمویل کنندگان تحکیم گردد. از طرف دیگر، باید به مشروط سازی منابع کمکی یک سازمان توجه صورت بگیرد، زیرا این امر نشانگر وجود تعهد قوی نسبت به پروسه اصلاحات و پیشرفت آن می باشد. در حالی که مشروط سازی منابع هنگامی که انتخابات نزدیک باشد می تواند منجر به شکل گیری مخالفین گردد، اما فاصله میان انتخابات این امکان را به تمویل کننده گان می دهد تا چنانچه موسسات دریافت کننده کمک ها، برای اصلاح پروسه انتخابات، به خوبی تلاش نکنند، کمک های شان را به حالت تعلیق در آورند. کاربرد این روش همکاران افغانستان را مجبور نمی سازد تا یک "آجندای بین المللی" تهیه کنند، بلکه به جای آن (بر اساس تعهدات افغانستان تحت میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر کنوانسیون های ذیربط) معلومات و دلگرمی هایی برای افغان ها فراهم می کند تا به نحوه بهتر به گزینش گری دست یازند.

• درازمدت بودن:

در حالی که ممکن است یک فرصت دو ساله برای شروع پروسه اصلاح انتخابات وجود داشته باشد، تکمیل برخی از امور، نیازمند دوره طولانی تر می باشد. تلاش هایی که در این راستا صورت می گیرد باید منسجم باشد تا از تداوم پروسه اصلاحات حتی در چرخه انتخاباتی 2015/2014/2013 اطمینان حاصل گردد. می بایست تلاش های خاص صورت گیرد تا از خطر اینکه با اصلاحات انتخاباتی ناقص عمل تقلب کاری مستحکم تر گردد و رأی دهندگان از پروسه دموکراتیک مشوش تر و سر درگم تر شوند، جلوگیری صورت گیرد.

نهادهای و سازمان ها نیکه بتوانند در خلال دوره انتخابات به خوبی خدمات عرضه کنند، مستحق تداوم دریافت مساعدت های انتخاباتی می باشند. ادارات انکشافی و کشورهای همکار "باید مساعدت های انتخاباتی را در چارچوب حکومت داری دموکراتیک و پیش بینی 10 سال آینده (و نه واکنش به حادثات در دوره انتخابات) پلان گذاری و تطبیق نمایند.¹⁵ آنها باید این نکته را مد نظر داشته باشند که فواصل بین انتخابات به همان اندازه مهم است که نفس برگزاری انتخابات حائز اهمیت می باشد.¹⁶

• حسابدهی:

زمانی که یک استراتژی تدوین می گردد و با آن موافقت صورت می گیرد، پیشرفت در راستای تطبیق آن باید مورد نظارت و پیشرفتهای و تاخیرات در تطبیق آن به اطلاع عامه رسانیده شود. معیارها و چارچوب های اجرایی لازم باید به منظور تنظیم و تطبیق استراتژی اصلاحی تعریف شود. مورد مشترک نظارت و انسجام در کنفرانس کابل به عنوان تنها مکانیزم ممکن برای نظارت بر میزان پیشرفت معرفی گردید.¹⁷

¹⁵ - (اداره و مصارف انتخابات یا ACE) روی مساعدتهای انتخاباتی تکیه می کند، مراجعه شود به :

<http://aceproject.org/ace-en/focus/focus-on-effective-electoral-assistance>.

¹⁶ - رهنمای روش شناختی کمیسیون اروپایی در مورد مساعدتهای انتخاباتی، مراجعه شود به:

http://www.ec.europa.eu/europeaid/multimedia/publications/publications/thematic/evaluation-methodology-external-assistance_en.htm.

¹⁷ - ماده 29 اعلامیه کنفرانس کابل به مورد مشترک نظارت و انسجام اشاره می کند. این مورد میزان پیشرفت دولت و جامعه بین الملل را در راستای دستیابی به تعهداتشان نظارت و سنجش می کند. پروسه کابل شامل جلسات سالانه میان دولت افغانستان، جامعه بین الملل، و جامعه مدنی به شمول نهادهایی که برای ارتقای نورم ها و معیارهای حسابدهی متقابل خدمات عرضه می کنند، می باشد.

• **ثبات و دوام:**

انکشاف ساختارهای پایدار برای انتخابات، بخش حیاتی و مهم تلاش‌های اصلاحی می‌باشد. اگرچه جای شک است که بودیجه ملی قادر به پوشش مصارف برگزاری انتخابات باشد، اما توانایی تمویل کننده گان بین‌المللی برای حفظ مقادیر فعلی تأمین مالی نیز غیرمحمتمل به نظر می‌رسد. از این رو، باید در جستجوی راه حل‌های پایدار و درازمدت بود. پروسه اصلاحات می‌تواند امکان بررسی گزینه‌های متفاوت را برای اداره انتخابات آینده در افغانستان فراهم کند که تولیدات ناخالص داخلی افغانستان در سال‌های آتی بر اساس آن سنجش می‌گردد.

4. هفت‌ساعه‌دارای اولویت برای اصلاح انتخابات

از سال 2004، دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا نزدیک به 300 پیشنهاد را ارائه کرده است که با ارائه گزارشات گروه‌های ناظر داخلی و بین‌المللی تکمیل گردیده‌اند. در خلال دوره انتخابات 2010، تیم حمایت از انتخابات دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا این سلسله‌پیشنهادات غنی را مورد بررسی قرار داد که از میان آنها هفت‌ساعه‌دارای اولویت را شناسایی نمود و این هفت‌ساعه بنیاد پروسه اصلاح انتخابات در آینده را تشکیل می‌دهند.

الف. هفت‌ساعه‌دارای اولویت 1: اصلاح چارچوب قانونی انتخابات

قوای اجرایی نیرومند، ساختار قانونی فعلی افغانستان را ترسیم می‌نمایند. بسیاری از قوانین بیشتر بواسطه حکم رئیس جمهور تصویب می‌شوند تا از طریق طرح قانون در پارلمان.¹⁸ چارچوب قانونی در رابطه با انتخابات در برگیرنده قانون اساسی، قانون انتخابات مصوب 2010، قانون احزاب سیاسی مصوب 2009، قانون جمعاعات، اعتصابات و مظاهرات مصوب 2002، قانون رسانه‌های جمعی مصوب 2009 و تعدادی از حکم‌های ریاست جمهوری در رابطه با انتخابات می‌باشد.¹⁹

قانون‌گذاری‌های مربوط به انتخابات را می‌توان از طریق تدقیق جامع قوانین تکمیل نمود تا چارچوب قانونی سالم برای انتخابات دموکراتیک مطابق با تعهدات بین‌المللی افغانستان ایجاد گردد و چگونگی اجرای انتخابات بهبود یابد. تقریباً کلیه تلاش‌های اصلاحی را می‌توان در وهله اول از طریق قانون‌گذاری اولیه تطبیق نمود.²⁰

اصلاح چارچوب قانونی به بهترین نحو از طریق یک پروسه فراگیر و مشورتی ممکن می‌باشد که در آن همکاران کلیدی فعال در درون و بیرون قوه اجراییه و پارلمان شرکت داشته باشند تا مشروعیت و اعتبار آن تضمین گردد. یک پروسه مشورتی ابزار مؤثری برای مرور، مطالعه و ایجاد توافق نظر روی یک دیدگاه مناسب درباره اصلاحات چارچوب انتخابات می‌باشد. کمیسیون مستقل انتخابات از طریق انتقال آموخته‌ها و مساعدت‌تخنیکی و همچنین نظرات سایر کارشناسان، به پروسه اصلاحات قانون کمک می‌نماید. معاهدات بین‌المللی که توسط افغانستان امضاء گردیده و حاوی تعهدات مربوط به انتخابات می‌باشند، باید مبنای پروسه اصلاحات قرار گیرند.

تعدیلات اخیر در قانون انتخابات در قالب یک پروسه فراگیر انجام نشده است. اگرچه برخی انکشافات مثبت صورت گرفته است، قانون جدید انتخابات مصوب 2010 مفصل نبوده و برخی از مسائل در آن پیش‌بینی نشده است. اولویت‌های ذیل را می‌توان به هنگام مرور و اصلاح چارچوب قانون انتخابات مد نظر قرار داد:

- مکانیزم، ساختار، کارکردها و شفافیت (مراجعه شود به هفت‌ساعه‌دارای اولویت 3: تبدیل کمیسیون مستقل انتخابات به یک ارگان مدیریت انتخاباتی مستقل، مسلکی و بی‌طرف)؛

¹⁸- قوه اجراییه بنا بیه ماده 76، 65 و 79 قانون اساسی، دارای قوه‌های قانون‌گذاری مستحکم می‌باشد.
¹⁹- این قوانین توسط پاره‌ای احکام و طرز‌العمل‌های منتشر شده و منتشر نشده کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی برای تطبیق قانون انتخابات تکمیل می‌شوند.
²⁰- قانون‌گذاری اولیه اشاره به قانون‌گذاری غیر از قانون اساسی دارد. قانون اساسی تنها توسط لویه جرگه قابل تعدیل می‌باشد. پروسه سازمان‌دهی لویه جرگه مشکل است زیرا این امر نیازمند گرد هم آمدن نمایندگان ارگان‌هایی است که هنوز انتخاب نشده‌اند (شوراهای ولسوالی).

- وظیفه (حکم) قانونی، مکانیزم انتصابات، ساختار، کارکردها و شفافیت کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی (مراجعه شود به ساحه دارای اولویت 2: تقویت مکانیزم حفاظت مؤثر از حقوق انتخاباتی)؛
- سیستم انتخابات (ساحه دارای اولویت 6: تحکیم احزاب سیاسی مؤثر)؛
- شرایط لازم برای کاندید شدن؛
- مکانیزم سنجش و بررسی برای تشخیص رابطه کاندیدها با گروه های مسلح غیرقانونی؛
- پوشش رسانه ای رقبای انتخاباتی، حقوق و مکلفیت های رسانه ها در طول انتخابات، به شمول جرم زدایی افترا، تهمت و تخلفات مربوطه؛
- روشن ساختن نقش پولیس در روز انتخابات؛
- تحقیق و پیگیری تخلفات انتخاباتی؛
- مقتضیات بیش از حد سنگین ثبت احزاب سیاسی (مراجعه شود به ساحه دارای اولویت 6: تحکیم احزاب سیاسی مؤثر)؛
- حقوق و مسئولیت های ناظرین انتخابات (مراجعه شود به ساحه دارای اولویت 7: تحکیم نظارت داخلی به عنوان ابزار ضروری برای بررسی و تقشیش انتخابات).

افزون بر این، بخش هایی از قانون اساسی یا مطابق با تعهدات بین المللی نیستند یا یک پروسه شدیداً سنگین انتخاباتی را موجب می شوند. با این همه، باید به اصلاح قانون اساسی توجه صورت گیرد. تعدیل قانون اساسی عملاً به دلیل تشکیل لویه جرگه مشکل می باشد.

در صورتی که تصمیم مبنی بر اصلاح قانون اساسی صورت گیرد، مطابق به قانون اساسی احکام ذیل باید مورد تجدید نظر قرار گیرد:

- زیاد بودن تعداد ارگان های انتخابی و عدم همزمان بودن لویه جرگه بار مسئولیت را مشکل ساخته و تطبیق آن را پر مصرف می سازد.
- مقتضیات سخت گیرانه برای کاندیداتوری ریاست جمهوری²¹ در مطابقت با اصول میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی نمی باشند.²²
- صلاحیت رئیس جمهور برای تصویب قوانین در مورد مسائل کلیدی مانند تصویب قانون جدید انتخابات دشوار می باشد چون این امر قوه های تقنینی را در معرض مخالفت قرار داده و اصول تفکیک قوا را تضعیف می سازد.

ب. ساحه دارای اولویت 2: تقویت مکانیزم ها برای اولویت بندی مؤثر حقوق انتخاباتی

حفاظت از حقوق انتخاباتی برای ایجاد اعتماد شهروندان نسبت به پروسه انتخابات ضروری می باشد چون این امر تضمینی برای شهروندان ارائه می کند مبنی بر اینکه به مسئله پایمال شدن حقوق و آزادی های آنان به میزان کافی رسیدگی خواهد شد. سیستم های حل منازعات انتخاباتی باید چنان قوی باشد که تضمین کند به قواعد احترام گذاشته می شود و در صورت تخطی از آنها، مجرمین مجازات خواهند شد.

تقلب در انتخابات و فرهنگ مصنونیت در انتخابات در سال 2010 خارج از کنترل بوده است. این امر تا حدی ناشی از ضعف فرهنگ دموکراتیک و فقدان حسابداری است که تنها بواسطه پیشرفت های تکنیکی قابل حل نمی باشد. با این همه، انکشافات ساختاری اساسی می تواند پروسه انتخابات را بهبود بخشد و از طرف دیگر این انکشافات برای ثبات تعادل و موازنه سیستم انتخابات ضروری می باشند.

²¹ ماده 62 قانون اساسی کاندید شدن را به شهروند مسلمان بودن و متولد از پدر و مادر افغان بودن محدود ساخته است.

²² تبصره عمومی 25، پارگراف 3، بیان میدارد که: "نباید کدام تمایز میان شهروندان در زمینه برخورداری از این حقوق از نقطه نظر ... دینی وجود داشته باشد." همچنین پارگراف 15 بیان می دارد که "اشخاصی که از جهات دیگر شایسته شرکت در انتخابات می باشند نباید بنا به مقتضیات غیر معقولانه و تبعیض آلود مانند تبار محروم شوند."

حفاظت از حقوق انتخاباتی عمدتاً توسط کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی، (یک ارگان اداری موقت رسیدگی به شکایات)، انجام شده است. کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی حداقل برای مدت 120 روز قبل از انتخابات تشکیل می‌گردد و موظف به رسیدگی به شکایات بر علیه کاندیدها و رأی دهندگان و همچنین شکایات مربوط به تخطی از قواعد انتخاباتی می‌باشد. کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی همچنین منحصراً ارگان تجدید نظر کننده نهایی عمل می‌کند. از یک سو، تشکیل چنین ارگان مهمی برای انسجام و یکپارچگی پروسه های انتخابات آنها مدت کوتاهی قبل از انتخابات غیرواقع بینانه و بی فایده بود؛ زیرا وجود مشکلات در زمینه جذب و استخدام کارمندان، انکشاف طرز العمل ها و حصول اطمینان از تداوم استحکام و محدوده های زمانی می تواند تأثیر منفی روی کیفیت انتخابات بگذارد. از سوی دیگر، تبدیل کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی به یک ارگان دائمی به همراه دفاتر ولایتی در کلیه ولایات، یک کار پر مصرف و نتیجتاً غیر دایمی و بی ثبات می باشد.

1. اصلاح مکانیزم ها برای فیصله منازعات انتخاباتی

باید به اصلاح مکانیزم های حل منازعات انتخاباتی توجه صورت گیرد. وظیفه قانونی کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی می توانست یکپارچه شود. دفاتر اصلی کمیسیون می توانست دائمی شود، قدرت قضاوت و فیصله کمیسیونهای ولایتی رسیدگی به شکایات انتخاباتی را می شد که متوقف کرد، و نقش کمیسیون های انتخابات در استماع شکایات را می شد که تحکیم بخشید.

کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی می تواند به یک ارگان تجدید نظر کننده نهایی تبدیل گردد که به منازعات انتخاباتی رسیدگی کند. این کمیسیون کار نظارت جاری بر انتخابات در اولین و آخرین اقامه های دعاوی را بر عهده دارد. متعاقباً، کمیسیون های انتخابات در کلیه سطوح، مسئول تدقیق و مرور شکایات مربوط به انتخابات در اولین اقامه دعوی می باشند. شکایات در ابتدا برای کمیسیون ذیربط انتخابات ارجاع داده می شود، و امکان تجدید نظر دوسیه در کمیسیون های عالی تر قبل از تجدید نظر نهایی توسط کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی باقی خواهد ماند. طی مراحل رسیدگی اولیه به شکایات و وظیفه عادی یک اداره انتخاباتی می باشد. انتقال و ارجاع شکایات به کمیسیون انتخابات نیازمند وجود ظرفیت لازم در دارالانشای کمیسیون مستقل انتخابت و کمیسیون های حل منازعات انتخاباتی در سطوح پایین تر می باشد.

تغییرات پیشنهادی دارای مزایای متعدد می باشد. این تغییرات نیاز به نمایندگی کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی در سطح ولایتی را برطرف می سازد، که خود باعث کاهش مصارف شده و فیصله منازعات انتخاباتی را ساده می سازد و از سوی دیگر استحکام قانونی تصامیم را تقویت می کند. کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی علیرغم اینکه یک ارگان دائمی است که در فواصل بین انتخابات فعالیت می کند، می تواند تشکیل خود را محدود تر بسازد و این تشکیل می تواند ظرفیت خود را انکشاف دهد و سطح آگاهی خود از شکایات را بالا ببرد. این امر باعث امکان نظارت بر سایر فعالیت های انتخاباتی را فراهم کرده و به پیشبرد و توسعه اصلاحات انتخاباتی کمک می نماید. در دراز مدت، کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی می تواند نهایتاً به قوه قضائیه ادغام گردد البته زمانی که سیستم محکمه از اعتبار و شایستگی بیشتر برای رسیدگی به مسائل انتخاباتی برخوردار گردد.

2. مرور و تجدید نظر مکانیزم انتصابات برای کمیشنر های کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی

به عنوان بخشی از تعدیلات قانون انتخابات مصوب 2010، کمیشنر های کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی در حال حاضر تنها توسط رئیس جمهور در مشورت با شورای ملی و ستره محکمه منصوب می گردند. روش انتصاب کمیشنرها باید بیشتر مورد تجدید نظر قرار گرفته و گسترده تر شود. در مکانیزم انتصاب و تقرر از این امر اطمینان حاصل گردد که کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی مستقل، فراگیر، بی طرف و مسلکی است و توانسته است اعتماد تمامی اطراف ذیدخل را جلب نماید.

می توان عده ای از کمیشنر های بین المللی کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی را تا زمانی که اعتماد کامل نسبت به بی طرفی، استقلال، لیاقت و ظرفیت اداره بوجود نیامده است، حفظ نمود. حضور بین المللی در سه چرخه گذشته انتخابات، منجر به شکل گیری یک برداشت عمومی از استقلال کمیسیون سمع شکایات و تعبیر گسترده از بجا آوردن وظیفه قانونی

آن گردیده است. با این همه، استخدام کمیشنرهای بین المللی ممکن است اعتماد همگان را نسبت به تصامیم اخذ شده توسط نظام قضایی افغانستان به تحلیل برد و ممکن است در مطابقت با تفویض مکانیزم تجدید نظر تصمیم در قوه قضائیه نباشد. از این رو، مهم است که در راستای ایجاد یک مکانیزم کاملاً افغانی کار شود و در این مسیر باید به حذف کمیشنرهای بین المللی اما حفظ تخصص بین المللی در یک مورد مشورتی پرداخته شود.

3. تقویت واکنش های قوه قضائیه نسبت به تخطی از قواعد انتخابات

به موازات این تغییرات، واکنش قوه قضائیه به تخطی از قواعد انتخاباتی می تواند بهبود یابد. در عمل، حداقل تحقیق و تفتیش در رابطه با تخلفات جدی از قواعد انتخاباتی صورت گرفته است،²³ اگرچه به نظر می رسد اقداماتی در طول این سال آغاز شده است. با توجه به بالا بودن میزان تقلب و خسونت، فقدان اقدامات قانونی در زمینه تحقیق، تفتیش و مجازات متخلفان، باز هم فرهنگ مصنونیت را ترویج مینماید.

در حالی که احکام متعدد قانون جزاء (مصوب 1976) مبنای کافی را برای تفتیش تخلفات انتخاباتی جدی فراهم می کند، اما حکم واضحی در مورد مکانیزم تحقیق و تفتیش چنین تخلفات در قانون جزاء و اصول محاکمات جزائی وجود ندارد. باید دست به تغییرات و تعدیلاتی زده شود تا از آشفتگی یا تداخل صلاحیت های قضایی مربوط به رسیدگی به تخطی های جنایی جدی جلوگیری بعمل آید و شفافیت لازم در این زمینه ایجاد شود. بر علاوه، کمیسیون مستقل انتخابات می تواند از همان صلاحیت آشکار کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی در زمینه ارجاع مستقیم دوسیه ها برای تحقیق و تفتیش برخوردار گردد.

ج. ساحه دارای اولویت 3: تبدیل کمیسیون مستقل انتخابات به یک اداره مدیریت انتخاباتی مستقل، مسلکی و بی طرف

در حالی که کمیسیون مستقل انتخابات اصلاحات قابل ملاحظه ای را در طرز العمل انتخابات پارلمانی بوجود آورده است، با این وجود هم باید کوشش شود تا پیشرفت های صورت گرفته، مستحکم گردد تا این اداره در شرایط چالش آور در سطح ولسوالی ها و مراکز رایدهی، فعالیت مؤثر تری داشته باشد. برای تحقق چنین امری، کمیسیون مستقل انتخابات باید از تداوم پروژه انتخاب کارمندان، بررسی تجارب تازه از طریق درس های فراگرفته شده و تطبیق ظرفیت سازی بیشتر اطمینان حاصل نماید. باید یک پلان گذاری ستراتیژیک با در نظر داشت شناسایی اولویت های آینده، تشکیلات جدید سازمانی و تشخیص منابع مورد نیاز، روی دست گرفته شود. تداوم کمک ها از سوی جامعه بین المللی بخش مهمی از تجهیز کمیسیون مستقل انتخابات می باشد؛ چنانچه این اداره را قادر می سازد تا در آینده بدون کمک جامعه بین المللی انتخابات را برگزار نماید.

با در نظر گرفتن ساحات مختلف منحصبت بخشی از پروژه اصلاح انتخابات، می توان انکشافات و پیشرفتهای گذشته را ادامه داد. این ساحه عبارتند از:

- **اصلاح مکانیزم انتصاب و استخدام کمیسیون مستقل انتخابات:** باید یک مبنای قانونی برای انتصاب در کمیسیون مستقل انتخابات انکشاف داده شود. کلیه اعضای کمیسیون مستقل انتخابات در حال حاضر به طور ویژه توسط رئیس جمهور و بدون کدام تصویب یا نظارت منصوب گردیده اند. این مکانیزم انتصاب باید به نحوی مورد تجدید نظر و تعدیل قرار گیرد که یک کمیسیون بی طرف، مستقل، مسلکی و مورد اعتماد مردم بوجود آید. روش های خوب و متعددی وجود دارد که این اصول را برآورده کرده می توانند. مکانیزم انتصاب باید، برای مثال، شامل تصویب پارلمان از نامزدهای پیشنهاد شده توسط رئیس جمهور برای عضویت در کمیسیون باشد. بر عکس، پارلمان می تواند کاندیدهایی را پیشنهاد نماید که توسط رئیس جمهور منصوب گردند. راه حل های زیادی موجود می باشد، اما این مسئله مربوط به اطراف ذیدخل افغان می باشد که باید مناسب ترین راه حل را انتخاب نمایند.

²³ دفتر لوی حارنوالی گزارش داده است که هیچ گونه تفتیش پس از انتخابات 2005 و 2009 صورت نگرفته است. جلسه تاریخ 14 اکتبر 2010 با معاون لویی حارنوالی..

- **افزایش شفافیت:** شفافیت در انتخابات، طرز العمل ها، عملیات ها و پیامدها می تواند به منظور ایجاد حس اعتماد نسبت به مسلکی بودن، بی طرف بودن و شایسته بودن کمیشنر های انتخاباتی و همچنین معتمد بودن پروسه های انتخاباتی بهبود یابد. این امر خصوصاً زمانی مهم است که صحبت از تفصیل نتایج، پروسه های ابطال آراء و تصامیم کمیسیون مستقل انتخابات باشد.
- **اصلاح و تقویت نظارت نهادی:** استقلال نهادی کمیسیون مستقل انتخابات را می توان تقویت نمود. کمیسیون مستقل انتخابات می تواند نظارت کامل بر طرز العمل ها، شیوه استخدام کارمندان و بودجه داشته باشد که این امر می تواند وابستگی عملیاتی و مالی آن به قوه اجرائیه را کاهش دهد. همچنین، چنانکه ظرفیت های ذیربط ایجاد گردند، میزان استقلال از تمویل کننده گان بین المللی نیز افزایش خواهد یافت.
- **تقویت کنترول کمیسیون مستقل انتخابات بر عملیات های ساحوی:** کمیسیون مستقل انتخابات در زمینه توسعه عملیات های ساحوی با یک چالش مواجه بود. اوضاع امنیتی، تطبیق عملیات ها در اکثر ساحات کشور را مشکل و گاهی اوقات غیر ممکن می سازد و دلیل آن خشونت از سوی شورشی ها و تهدیدات صاحبان قدرت می باشد. فساد و عدم تطبیق طرز العمل ها نیز مسئله ای است که در هر جایی وجود دارد. اقدامات متعددی را می توان برای ازدیاد کنترول کمیسیون مستقل انتخابات بر دفاتر ساحوی و مبارزه با تقلب انجام داد. پیشرفت در این عرصه ها شدیداً وابسته به بهبود اوضاع امنیتی کشور می باشد.

درین راستا به اقدامات ذیل می توان توجه نمود:

- برگزاری انتخابات بر مبنای چرخشی، به عنوان مثال، برای تنها چند ولایت در یک زمان، به منظور متمرکزسازی منابع و سیستم نظارتی؛
- دادن صلاحیت قانونی به کمیسیون مستقل انتخابات به منظور انفاذ مجازات ها و اتخاذ اقدامات جبرانی در رابطه با تخطی های انتخاباتی، منوط به اینکه کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی از حق تجدید نظر در قضایا برخوردار باشد؛
- تفتیش جدی و تحت پیگرد قرار دادن مقامات انتخاباتی که مسئول تخطی های انتخاباتی می باشند به نشانه اینکه دیگر با تقلب و تقلب کاری مسامحه نمی گردد؛
- گسترش و ازدیاد تلاش ها برای جلب مشاکت کارمندان انات و انکشاف طرز العمل های لازم برای رسیدگی به موارد محتمل تقلب در طول دوره ثبت نام رأی دهندگان و همچنین در مراکز رأی گیری انات؛
- تطبیق اقدامات اضافی در روز انتخابات جهت تضمین امنیت رأی و رأی دهندگان.

د. ساحة دارای اولویت 4: انکشاف سیستم ثبت نام فراگیر برای حفظ یکپارچگی و انسجام انتخابات

انکشاف یک سیستم فراگیر و دقیق ثبت نام رأی دهندگان که لستی از رأی دهندگان در مراکز رأی دهی تهیه کند، می تواند انسجام و یکپارچگی انتخابات را به طور قابل ملاحظه ای حفظ کرده و کارآمدی انتخابات را از طرق تخصیص رأی دهندگان به مراکز رأی دهی مشخص حفظ نماید. با این همه، پس از سال ها تلاش و سرمایه گذاری منابع قابل ملاحظه، هنوز هم لست رأی دهندگان جهت استفاده مراکز رأی دهی موجود نمی باشد. در مراحل اولیه ثبت نام، اکثریت ثبت نام کنندگان به یک مرکز رأی گیری خاص تخصیص داده نشدند، و به نظر می رسد که کیفیت معلومات در مراحل بعدی ثبت نام در سطوح پایین تر از ولایات قابل اعتماد نباشد. همچنین میلیون ها کارت رأی بیشتر از تعداد رأی دهندگان توزیع گردید،²⁴ به شمول بسیاری از افراد بدون عکس²⁵ که مفیدیت چنین کارتها را محدود می ساخت. گفته می شود که استفاده از روش بیومتریک (آمار شناسائی فرد "مشخصات فردی") در جمع آوری معلومات در سیستم ثبت نام رأی دهندگان، با وجود اینکه تاکنون آزمایش نشده است و ممکن است معلومات ناقص بدست بدهد و قادر به شناسایی ثبت نام مکرر نباشد، بکار بسته شده است. در حالی که پروسه های ثبت در سال های قبل مفید بوده است، به نظر می رسد که استفاده بیشتر از سیستم جاری مزایای زیاد بدست ندهد. از این رو، یک پروسه جدید برای ثبت نام رأی دهندگان باید انکشاف داده شود.

²⁴ - در حالی که تعداد مجموعی کارت های رأی دهی توزیع شده از سال 2003 به اینسو برابر با 16.783.349 می باشد، اداره مرکزی احصائیه تعداد رأی دهندگان واجد شرایط را تقریباً 11 میلیون تخمین نموده است.

²⁵ - ثبت نام کنندگان انات ملزم به داشتن عکس در کارت های رأی دهی نبودند.

اصول هدایت کننده پروسه ثبت نام رأی دهندگان عبارت از دقیق بودن معلومات گردآوری شده، فراگیر بودن پروسه، ساده بودن طرز العمل ها و رضایت شهروندان میباشد. باید به طور شفاف موافقت شود که کدام مرجع مسئول ثبت نام رأی دهندگان می باشد، نحوه عملکرد پروسه به چه قسم است و اینکه چه فرصت هایی برای تجدید معلومات و بررسی دقیق تر موجود می باشد. از طرف دیگر، باید به مصارف، ثبات و مقتضیات لازم برای حفظ پروسه توجه صورت گیرد. ثبت نام رأی دهندگان یک مسئله بسیار پیچیده می باشد؛ از این رو ضرورت نیست که این پروسه برای انکشاف یک پلان مفصل برای تطبیق یک سیستم جدید ثبت نام، معطل گردد.

به نظر می رسد که در حال حاضر این دو گزینه وجود دارد: (1) ارتباط دهی سیستم ثبت نام رأی دهندگان به انکشاف یک سیستم ثبت ملکی²⁶، یا (2) ایجاد یک سیستم واحد ثبت نام رأی دهندگان.

سیستم ترکیبی ثبت نام رأی/ثبت نام ملکی: از میان گزینه های موجود برای ثبت ملکی، یک پروژه توسط وزارت ارتباطات و تکنالوجی معلوماتی و وزارت داخله به منظور تولید یک سند هویت ملی انکشاف داده شد که این سند می توانست شامل یک سیستم ثبت مرکزی و کارت های هوشمند حاوی معلومات شناسائی فردی (بیومتریک) باشد. کمیسیون مستقل انتخابات باید در مرحله پلان گذاری پروژه ثبت نام ملکی اشتراک نماید و ارزیابی نماید که آیا این پروژه در مطابقت با مقتضیات ثبت نام ملکی می باشد یا خیر.

در صورتی که ثبت هویت ملی به یک سند رسمی برای رأی دهی تبدیل گردد، این پروژه باید با توجه به موارد ذیل سنجش گردد:

- ثبات (مؤثریت مصارف، توانایی، حفظ و تجدید (اپدیت) سیستم)؛
- خطر محروم شدن از حق رأی دهی در صورتی که کلیه رأی دهندگان از سند هویت ملی برخوردار نباشند؛
- امکان بروز تقلب (از طریق لست هایی که بیش از حد پر شده باشند یا وضع هیچ شرط اجباری برای اخذ عکس ثبت نام کنندگان اناث به منظور جلوگیری از جعل هویت رأی دهندگان) و
- انجام کارهای لازم برای انتقال معلومات به لست رأی دهندگان (برای رسیدگی به آدرس محلی ترین بخشهای کشور نیاز است تا لست های رأی دهندگان جمع آوری شوند و امکان استخراج آسان اسامی کلیه شهروندان بالای 18 سال فراهم گردد)؛

چنین سنجش دقیقی باید مبنای تصمیم گیری در مورد انکشاف سیستم ثبت ترکیبی یا واحد را تشکیل دهد.

سیستم واحد ثبت نام رأی دهندگان: در صورتی که چنین ارزیابی شود که معلومات جمع آوری شده در پروژه سند هویت ملی برای ثبت نام رأی دهندگان مناسب نیست، یک سیستم واحد ثبت نام رأی دهندگان باید ایجاد گردد. سیستم ثبت جدید باید شدیداً متکی به آموخته های گذشته باشد و از طرف دیگر تطبیق سیستم ثبت نام رأی دهندگان از سال 2004 باید به طور موشگافانه مورد بررسی قرار گیرد. ایجاد یک سیستم برای ثبت نشانی ها و آدرسها، و آموزش و کنترل بهتر، از لوازم موفقیت این سیستم می باشند زیرا تجدید دوره ای سیستم ثبت قبل از هر انتخابات (حذف نام رأی دهندگان متوفی، ثبت دقیق جمعیت های سیار (کوچها)، شامل سازی رأی دهندگان جدید) نیز حایز اهمیت می باشد.

اگرچه معلومات جمع آوری شده در پروسه های ثبت پیشین کامل نمی باشند، ضروری است تا یک سیستم جدید برای جمع آوری معلومات انکشاف داده شود. باید به یافتن راه حل های پایدار که برای مثال مفیدیت جمع آوری معلومات بیومتریک (شناسائی فردی) را نسبت به مصارف اولیه و اجرایی آن سنجش کند، توجه خاص صورت گیرد. طرز العمل ثبت باید دقیق تر از سال های گذشته باشد. اگرچه یک سیستم دو بار بازدید کننده (two-visit)²⁷ رأی دهنده را بیشتر به زحمت می

²⁶- در کنفرانس لندن در سال 2006، توافق شد که "یک سیستم ثبت ملکی و ثبت نام رأی دهندگان همراه یک سند هویت ملی واحد انکشاف داده شود". به دنبال پروژه آزمایشی وزارت داخله و کمیسیون مستقل انتخابات (با همکاری عاملین بین المللی) کابینه ریاست جمهوری تصمیم گرفت تا سیستم ثبت نام رأی دهندگان را از سیستم ثبت ملکی تفکیک نماید.

²⁷- سیستم دوبار بازدید کننده، سیستمی است که در آن رأی دهنده در دفعه اول ثبت می گردد و سپس برای بار دوم برای گرفتن کارت ثبت به مرکز مراجعه می کند.

اندازد، امکان تصدیق آنها را فراهم می سازد و از این رو از دوباره کاری های (تکرارهای) موجود کاسته می تواند. با وجود این سیستم می توان کیفیت معلومات جمع آوری شده را که امکان اصلاح را در مراجعه دوم فراهم می کند، تضمین نمود. کلیه زنان باید ملزم به داشتن عکس بر روی کارت های رأی دهی شان باشند تا از مسئله جعل هویت جلوگیری به عمل آید. نهایتاً، تا زمانی که مشکل نا امنی تداوم یابد، فعالیت های ساحوی احتمالاً چالش عمده هر سیستم ثبت باقی خواهند ماند.

بدون در نظر داشت گزینه انتخاب شده، انکشاف یک سیستم کارآمد برای ثبت رأی دهندگان یک پروژه چندین ساله خواهد بود که نیازمند منابع لازم می باشد و از طرف دیگر قبل از انتخابات ملی بعدی احتمال تطبیق آن وجود نخواهد داشت. از این رو، باید یک راه حل موقت تا زمان عملی شدن سیستم ثبت رأی دهندگان جستجو شود.

نیاز به راه حل موقت: سیستم جاری رضایت بخش نمی باشد، زیرا در آن کدام لست رأی دهندگان وجود ندارد و کارت های ثبت رأی دهندگان نمی توانند کار سیستم امنیتی را انجام دهند. از طرف دیگر، تجدید نسبی معلومات کهنه کافی نخواهد بود چون این کار لست های رأی دهندگان را در اختیار مراکز رأی دهی قرار نمی دهد و حتی می تواند منجر به چرخش تعداد بیشتری از کارت های ثبت نام گردد. تنها راه اندازی یک سیستم ثبت جدید و به مقیاس کامل می تواند به میزان حداقل تضمین نماید که برای هر رأی دهنده یک کارت رأی صادر شده است. با این همه، این گزینه پر مصرف، تطبیق آن دشوار و زیاده از حد سخت گیرانه می باشد و در صورتی که یک سیستم ثبت رأی دهندگان/ثبت ملکی ترکیبی یا درازمدت تر وجود داشته باشد، می تواند باعث بروز آشفتگی گردد. در نتیجه، در کوتاه مدت می توان مشوره داد که انتخابات ملی بعدی بدون الزام داشتن کارت های ثبت برگزار گردد. در نبود کارت های ثبت و لست های رأی دهندگان، باید بر سایر اشکال امنیتی در رسیدگی به مسئله "چند دفعه رأی دادن" - مخصوصاً رنگ انگشت تکیه نمود که این کار نیازمند جمع آوری معلومات قوی تر در رابطه با رأی دهندگان و آموزش مسئولین رأی گیری می باشد.

ه. ساحه دارای اولویت 5: ایجاد محدوده های رأی دهی مورد قبول:

باید محدوده های رأی دهی مشخص وجود داشته باشد تا تعیین شود که نمایندگان ارگانهای منتخب از کدام حوزه انتخاباتی نمایندگی میکنند و اینکه آرای شهروندان در کجا شمارش گردد. محدوده هایی که ترسیم می شوند می توانند اصل بنیادین برابری آراء را حفظ نمایند.²⁸ در حالی که به نظر می رسد با محدوده های هر ولایت موافقت شده است، محدوده های ولسوالی ها و سطوح پایین تر (برای شاروالی ها و قریه جات) هنوز مشخص نشده اند.²⁹

چارچوب عملیاتی مرز بندی محدوده های انتخاباتی هنوز شکل نگرفته است. با وجود اینکه چندین اداره از جمله اداره مستقل ارگان های محل، کمیسیون مستقل انتخابات، اداره مرکزی احصائیه و اداره نقشه نگاری زمین افغانستان (AGCHO)، در این پروژه سهیم هستند، لذا در وهله اول باید مسئولیت های سازمانی مشخص گردد.

همچنین روش جمع آوری معلومات باید تعیین گردد. معلومات جمعیتی حاصل از یک سرشماری³⁰ می تواند به عنوان مبنای تعیین محدوده های انتخاباتی مورد استفاده قرار گیرد. با این همه، برای اینکه یک سرشماری برای مرز بندی های انتخاباتی یا ثبت نام رأی دهندگان مفید باشد، نیازمند ثبت نشانی (آدرس) کامل یا هماهنگ سازی و ایجاد سیستم GPS می باشیم. از آنجا که معلومات موجود محدود می باشد و با توجه به مشکلات در تطبیق فعالیت های ساحوی به دلیل مشکلات امنیتی، می توان از تخمین های تقریبی جمعیتی استفاده نمود.

زمانی که با چهارچوب عمومی موافقت صورت گیرد، می توان مسائل ذیل را مورد توجه قرار داد:

²⁸- برابری آراء بدین معناست که رأی هر فرد با دیگری برابر می باشد. بدون وجود محدوده های مشخص و ثبت دقیق رأی دهندگان در داخل این محدوده ها، نمی توان تضمین نمود تعداد آرای که احتمالاً برای انتخاب شدن در یک ولایت یا ولسوالی لازمی است با ولایات یا ولسوالی های دیگر برابر باشند.

²⁹- در رابطه با تعداد قریه ها تخمین های متعددی ارائه شده است. اداره مرکزی احصائیه تعداد قریه ها را 45.000 تخمین می نماید. با این وجود هم، اداره نقشه نگاری زمین افغانستان تخمین می کند که 49.000 قریه وجود دارد.

³⁰- سرشماری اخیر در سال 1979 انجام شد (و تنها 65 فیصد کامل می باشد). شورای وزیران بارها با انجام سرشماری در سال 2012 موافقت نموده است و اگر چهارچوب زمانی تطبیق گردد، نتایج اولیه باید تا پایان سال 2012 و نتایج نهایی تا سال 2014 اعلام گردند.

- **نیاز به داشتن مبنای قانونی سالم:** پروسه مرزبندی باید در قانون گذاری های اولیه مورد بررسی قرار گیرد. ضروری است تا احکام قانونی برای تأمین صلاحیت قانونی شفاف و حمایت از مکانیزم ها وجود داشته باشد. باید روی مشارکت مردمی تأکید صورت گیرد تا نسبت به پروسه اطمینان وجود داشته باشد و محدوده ها مطابق با واقعیات عینی تعیین گردند.
- **شکل گیری یک مرجع مستقل و بی طرف برای تعیین حدود:** به منظور جلوگیری از سیاسی شدن پروسه، باید یک سازمان بی طرف پروسه مرز بندی انتخاباتی را انجام دهد. این کار را می توان به یک کمیته ویژه مرز بندی انتخاباتی واگذار نمود؛ برای مثال کمیته ای که توسط پارلمان منصوب و توسط شخص رئیس جمهور تصدیق می گردد، یا کمیته ای با اعضای منصوب شده از سوی تعدادی از مراجع، به شمول پارلمان، وزارت خانه های ذریبط و جامعه مدنی.
- **تأسیس سیستم بررسی دوره ای:** این سیستم به دلیل رشد سریع جمعیت در افغانستان و با توجه به اینکه مرز بندی های انتخاباتی فعلی ممکن است به دلیل ناقص بودن معلومات جمعیتی محدود باشند، حائز اهمیت خاص می باشد.
- **ایجاد یک مکانیزم برای حل منازعات در محدوده های (حدود) انتخاباتی:** این وظیفه حساس باید به یک اداره مستقل که جهت مرز بندی انتخاباتی تشکیل باید شود، واگذار گردد. چاره دیگر این است که این مسئولیت به کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی واگذار گردد.
- **مساعدت و تأمین کامل منابع:** برای ایجاد مکانیزم مرز بندی انتخاباتی، نیاز به زمان کافی، منابع کافی و مساعدت تخنیکي دائمی می باشیم تا معلومات جمعیتی گردآوری و یا تخمین گردد و از طرف دیگر عمل مرز بندی به خصوص در شرایط چالش آور فعلی انجام داده شود.

و. ساحة دارای اولویت 6: تحکیم احزاب سیاسی مؤثر

احزاب سیاسی بخش ضروری دموکراسی های کارآمد و پویا می باشند. احزاب امکان برخورداری از آزادی انسجام در انجمنها و فرصت مشارکت در دولت و امور عامه را برای شهروندان میسر می کنند. اگرچه احزاب سیاسی افغانستان با وجود برخورداری از قدمت طولانی، هنوز هم دچار ضعف می باشند.³¹ به نظر می رسد که فضای سیاسی با افرادی مشخص می گردد که دارای پیوندهای خویشاوندی و قبیلوی قوی می باشند و این امر منجر به شکل گیری شبکه های خویش گماری پرنفوذ می شود. محیط امنیتی و برداشت منفی از احزاب سیاسی³² باعث می شود که این احزاب به مشکل بتوانند برای خود حامی جذب کنند، روابط قوی با اعضای خود برقرار کنند، خود را سازمان دهی کنند، برنامه ها بسازند و یک سیستم دموکراسی داخلی مستحکم را ایجاد نمایند.

1. مرور سیستم انتخاباتی

سیستم فعلی انتخابات تا حدی انکشاف احزاب سیاسی را مختل می سازد. تنها 7.1 فیصد از کاندیدها با اخذ تکت های حزبی در سال 2010 فعالیت کردند که شاخص واضحی از نقش شدیداً حاشیوی است که احزاب سیاسی در افغانستان بازی می نمایند. ضعف احزاب سیاسی تا حدی ناشی از سیستم انتخاباتی رأی واحد غیر قابل انتقال³³ می باشد که عامل محدود کننده انکشاف احزاب به حساب می آید.

³¹ - تنها تعداد اندکی از احزاب سیاسی با عضویت تعریف شده فعالیت دارند که این عامل دارای نقش مؤثر در انکشاف پالیسی سازی، مدافعه و برگزاری کنفرانس ها دارد.

³² - این مسئله تا حدی ناشی از برداشت منفی حزب کمونیست در طول دوره رژیم شوروی و بعداً احزاب مجاهدین می باشد.

³³ - در این سیستم رأی دهنده صرف برای یک کاندید رأی می دهد و کاندیدهای دارای بیشترین تعداد آراء، انتخاب می شوند (مطابق با تعداد کرسی های تعیین شده در یک حوزه انتخاباتی معین)

در حالیکه انتخاب این سیستم رأی دهی مربوط به تصمیم حاکمیت یک کشور می باشد،³⁴ باید سیستم رأی دهی را به صورت گسترده و جامع مورد بررسی قرار داد تا مزایای آن سنجیده شود و ارزیابی شود که آیا این سیستم در مطابقت با اهداف پالیسی افغانستان می باشد یا خیر و سپس در مورد تعدیل یا عدم تعدیل آن تصمیم گیری شود.

پارلمان منحیث مرجع قانونگذاری، باید یک نقش برجسته در زمینه بررسی و تجدید نظر مشاورتی و شفاف سیستم جاری رأی دهی ایفا نماید. احزاب سیاسی ای که در پارلمان چوکی ندارند، نیز باید در این مباحثات سهیم ساخته شوند. سایر سهم گیرندگان احتمالی شامل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کمیسیون مستقل انتخابات، نهادهای جامعه مدنی فعال در عرصه انتخابات، مسائل مربوط به جندر، حکومتداری و دموکراسی سازی، و نمایندگان گروه های قومی و سایر گروه هائیکه در پارلمان نمایندگی نمی شوند، می باشند.

قانون انتخابات، مصوب 2010، یک سیستم انتخاباتی مشخص را تجویز نمی کند، اما در عوض بیان می دارد که چوکی های پارلمانی باید "برای کاندیدهایی اختصاص داده شوند که بیشترین تعداد آراء را کسب می کنند".³⁵ اگرچه تغییر سیستم رأی دهی ممکن است الزاماً نیازمند تغییرات در قانون گذاری ها نباشد، اما می تواند در زمینه تأمین قطعیت قانونی برای حمایت از سیستم جدید مفید و ایده آل باشد.

باید به موارد ذیل منحیث بخشی از مبنای سنجش سیستم های رأی دهی بدیل توجه صورت گیرد:

- اهداف و مقاصد بلندمدت سیاسی و حکومت داری.
- مطابقت سیستم پیشنهادی با الزامات قانونی بین المللی
- اینکه سیستم پیشنهادی به چه میزان رشد اتحادیه های سیاسی و احزاب سیاسی را ترغیب می نماید.
- سیستم جدید چگونه مطابق با قانون اساسی اصل 68 چوکی برای زنان در پارلمان را تضمین می نماید و چگونه می تواند تعداد بیشتری از زنان را برای مشارکت در انتخابات ترغیب نماید.
- فهم و آشنایی با سیستم پیشنهادی تا چه میزان برای رأی دهندگان آسان می باشد.
- اداره سیستم پیشنهادی به چه میزان آسان، ارزان و پایدار می باشد.
- سیستم پیشنهادی تا چه میزان می تواند صلح و آشتی را میان گروه های قومی مخالف برقرار یا برعکس به مشکل مواجه نماید.

2. تقویه و گسترش حمایت از احزاب

در حال حاضر، باید بر تلاش های مبنی بر حمایت از انکشاف احزاب تأکید شود. می توان بر فراهم آوری مهارت ها و امکانات لازم برای احزاب سیاسی تأکید نمود تا این احزاب در پارلمان و همچنین خارج از آن کارکرد مؤثر داشته باشند. عرصه های دیگر عبارتند از حمایت در زمینه تکامل و وحدت سازمانی، پالیسی ها و سکوها پرتاب، کمپاین و آگاهی رسانی عامه، فعالیت های نمایندگان، مذاکره و ایجاد اتحادیه ها در درون و میان احزاب، نظارت بر فعالیت ها، نقش احزاب اپوزیسیون و ارتقای سطح مشارکت زنان. همچنین مهم خواهد بود تا از ساختارها و روش های دموکراتیک درون احزاب حمایت به عمل آید. بدون این کمک ها، احزاب تازه کار افغانستان ممکن است برای شان مشکل باشد تا در یک محیط سیاسی پر مطالبه فعالیت کنند و طرز العمل های دموکراتیک و سالمی را برای خود انکشاف دهند.

3. تقویت پارلمان

پارلمان نیازمند تداوم حمایت ها می باشد تا همچنان خود را منحیث یک نهاد مسئول قانون گذاری و نظارت مؤثر بر قوه اجرائیه، انکشاف دهد. ممکن است فعالیت های حمایتی گسترده باز هم از دید یابند، مانند انکشاف ظرفیت های تخصصی و

³⁴ - اظهاریه 25، پاراگراف 21، بیان می دارد که "اگرچه میثاق هیچ گونه سیستم انتخاباتی مشخص را وضع نمی کند، تمامی سیستم ها در دول عضو باید مطابق به حقوق تضمین شده در ماده 25 باشند و این سیستم ها باید اصل آزادی رأی دهندگان در ابراز خواست شان را تضمین و تطبیق نمایند."

³⁵ - قانون انتخابات مصوب 2010، ماده های 22، 20، 32 و 35.

تحقیقی دارالانشاء و برنامه های آموزشی برای نمایندگان به منظور شکل دهی دانش سازمانی و فردی در رابطه با مسائلی از جمله قانون گذاری. این کار می تواند شامل حمایت از دارالانشاء در زمینه برگزاری جلسات مشورتی، حمایت تخصصی از پارلمان در زمینه تعهدات بین المللی و طرز العمل های مناسب و ظرفیت تحقیقی، باشد. با توجه به اهمیت بالای اصلاح سیستم انتخابات، می توان بر بهبود توانایی پارلمان در زمینه رسیدگی به این مسئله نیز تأکید نمود.

ز. ساحه دارای اولویت 7: تقویت نظارت داخلی منحيث ابزار ضروری برای بررسی موشگافانه انتخابات

ناظران داخلی، عاملین مهمی در زمینه نظارت بر پروسه انتخابات می باشند. بررسی موشگافانه آنها از پروسه انتخابات برای گردآوری معلومات عینی، ارتقای سطح اعتماد نسبت به سیستم و ارائه پیشنهادات اصلاحی، ضروری می باشد. وجود چالش های خاص در زمینه برگزاری انتخابات در افغانستان، اهمیت نظارت داخلی را برجسته تر می سازد. ضعف احزاب سیاسی بدان معناست که مسئولیت ناظران جامعه مدنی در زمینه بررسی پروسه انتخاباتی سنگین می باشد. اوضاع امنیتی نشانگر این نکته است که پوشش نظارت بین المللی ضعیف می باشد یا حتی وجود ندارد که این مسئله ضرورت به وجود یک نهاد داخلی بی طرف و قابل اعتماد را برجسته می سازد. کمیسیون مستقل انتخابات 15 سازمان ناظر داخلی را در سال 2010 تأیید صلاحیت کرده است. بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه (که بزرگترین گروه ناظر داخلی است)، یک نقش حیاتی در جمع آوری وقایع، ثبت وقایع و ارائه مشاوره، تحلیل و توصیه ایفا می نماید.

حقوق و مسئولیت های ناظران: کمیسیون مستقل انتخابات از طریق شامل سازی حقوق ناظران در طرز العمل سلوک ناظران می تواند از پروسه بررسی دقیق انتخابات حمایت کند.³⁶ چنین حقوقی برای ناظران می تواند در قانون گذاری های اولیه وضع گردد.

توسعه نقش نهادهای جامعه مدنی: تمویل کنندگان می توانند از سازمان های غیردولتی حمایت کنند تا بتوانند به طور فعال در پروسه اصلاحات انتخاباتی سهیم شوند. مهارت های تحلیلی این سازمان ها می تواند از طریق آموزش معیارهای بین المللی و شیوه های مناسب برای انتخابات انکشاف داده شود. آنها منحيث ناظر بر پروسه انتخابات، می توانند تشویق به ایفای نقش فعال تر در زمینه نظارت از فعالیت های پارلمان و ارائه مشاوره به آن شوند.

تحکیم ساختارهای داخلی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه و ظرفیت سازی آن: بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه، همانطور که استراتژی خود را جهت نهادینه سازی ساختار و گسترش فعالیت های خود انکشاف می دهد، باید از حمایت بیشتر برخوردار گردد. این بنیاد می تواند کار انکشاف ساختارها و پروسه های مدیریتی درونی خود را از طریق حمایت مدیریتی خارجی، یادگیری از همتایان و پیوند با گروه های ناظر داخلی در سایر کشورها، ادامه دهد. افزون بر این، بنیاد مذکور می تواند ظرفیت خود را برای نظارت بر فعالیت های جاری در فواصل بین انتخابات انکشاف دهد. این پروسه می تواند شامل توجه به ابعاد خاص انتخابات، مانند مسایل مالی کمپاین ها، رسانه ها و گزارشات در مورد موقعیت مراکز رأی گیری باشد.

تعهد به حمایت مالی درازمدت: در راستای اذعان بر نقش حیاتی نهادهای جامعه مدنی در انکشاف دموکراتیک افغانستان، به شمول بنیاد انتخابات آزاد و دموکراتیک و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، جامعه بین الملل باید متعهد شود تا تمویل های درازمدتی را برای انکشاف یک جامعه مدنی قوی، فعال، مسئولیت پذیر و تکرر گرا داشته باشد. تمویل باید شامل مکانیزم های حسابدهی کامل و مبتنی بر معیارهای خاص باشد و کلیه کمک ها باید منوط به ارزیابی های خارجی دوره ای باشند.

ضمیمه 1: اصول بین المللی و توصیه های دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا در سال 2009

³⁶ - طرز العمل سلوک ناظران حاوی حقوق و مسئولیت های منتخب می باشد، اما این بخش تنها مسئولیت های آن را بازتاب می دهد. در این سند از حقوق، مانند تجویز دسترسی کامل به پروسه توسط ناظران، نمایندگان کاندیدها و احزاب و گزارشگران ذکری نرفته است.

ساحه دارای اولویت 1: اصلاح چارچوب قانونی انتخاباتی

الف. اصول بین المللی

افغانستان یکی از دول عضو تعدادی از معاهدات بین المللی مربوط به انتخابات می باشد. این معاهدات عبارتند از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی³⁷، کنوانسیون بین المللی رفع تبعیض نژادی علیه زنان³⁸ و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان³⁹. کشور افغانستان در میان دول عضو ملل متحد است که اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تاریخ 10 دسمبر 1948 امضا نمودند. قانون اساسی افغانستان به تعهدات بین المللی در قوانین افغانی احترام می گذارد. ماده 7 قانون اساسی بیان می دارد که "دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند..."⁴⁰.

تعهدات گنجانیده شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مبنای بررسی و سنجش پروسه های انتخاباتی را فراهم می کنند. معیارهای استندردی در ماده 25 این میثاق و ماده 21 اعلامیه گنجانیده شده اند، اگر چه احکام دیگری نیز، برای مثال، در رابطه با آزادیهای بنیادین وجود دارند که برای یک پروسه دموکراتیک اهمیت بنیادین دارند.

ماده 25 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حق هر شهروند می داند تا:

"در اداره امور عمومی بالمباشره یا بواسطه نمایندگان که آزادانه انتخاب شوند، شرکت نماید و در انتخابات دوره ای که مطابق معیار های جهانی و رای مساوی و مخفیانه برگزار شود و تمثیل اراده آزاد مردم را تضمین نماید، رأی بدهد و انتخاب بشود"

در ماده 5 میثاق قید شده است که:

دول عضو متعهد به اجتناب و رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی بوده و بدون تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، قومیت و ملیت، حق یکسان بودن همگان را در برابر قانون، خصوصاً در برخورداری از حقوق ذیل تضمین می نمایند:...

حقوق سیاسی، به خصوص حق شرکت در انتخابات- رأی دادن و کاندید شدن بر مبنای حق رأی عمومی برابر به منظور مشارکت در دولت و همچنین اداره امور عامه در هر سطح و برخورداری از دسترسی برابر به خدمات عامه...

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، دول عضو را ملزم می سازد تا " کلیه اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان در حوزه سیاسی و عامه انجام دهند"⁴⁰ " اقدامات موقتی ویژه با هدف تسریع برابری بالفعل میان مردان و زنان تبعیض پنداشته نمی شود"⁴¹

ب. توصیه های ارائه شده در سال 2009 در رابطه با اصلاح چارچوب قانونی انتخابات

³⁷- افغانستان در تاریخ 24 جنوری 1983 با این کنوانسیون موافقت نمود.

³⁸- افغانستان در تاریخ 5 اگست 1983 با کنوانسیون رفع تبعیض نژادی علیه زنان موافقت نمود.

³⁹- افغانستان در تاریخ 18 دسمبر 1979 با این کنوانسیون موافقت نمود.

⁴⁰- کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ماده 7.

⁴¹- کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ماده 4.1.

- باید تعدیلات لازم در قانون اساسی و سایر قوانین جهت بهبود برگزاری انتخابات در آینده صورت گیرد. (توصیه 1 از سال 2009)
- موضوعات دارای اولویت مربوط به انتخابات که قرار است در اصلاح قانون اساسی مورد بررسی قرار گیرند، باید شامل معقول سازی برنامه زمانی انتخابات و انجام تعدیلات لازم برای توسعه مکانیزم انتصاب کمیشنرهای کمیسیون مستقل انتخابات باشد. (توصیه 3 از سال 2009)
- موضوعات دارای اولویت برای اصلاح قوانین عبارتند از:
 - سیستم انتخاباتی
 - مکانیزم انتصاب کمیشنرهای کمیسیون مستقل انتخابات
 - الزامات شفافیت، مانند نشر کلیه معلومات بدست آمده از مراکز رأی گیری (به شمول اوراق آرای باطل)
 - حکم صریح بیانگر نقش ها و مسئولیت های مربوط به کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی. باید به کمیسیون مستقل انتخابات و همچنان به کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی صلاحیت تحقیق و ابطال آراء داده شود.
 - احکام مربوط به ادامه فعالیت کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی
 - موضوعاتی که قرار است رسیدگی به آنها به صلاحدید کمیسیون مستقل انتخابات صورت گیرد، باید مورد بررسی قرار گیرند، مانند ضرب الأجل های انصراف کاندیدها
 - الزامات ثبت رأی دهندگان. (توصیه 4 از سال 2009)
- قانون جدید انتخابات باید برخی از مسائل را که هنوز معطل احکام، مقررات و فیصله ها می باشند، پوشش دهد تا از تطبیق نادرست صلاحیت اجتناب شود و یک سند قانونی واحد و منسجم تهیه گردد. (توصیه 5 از سال 2009)
- قانون باید به طور قطعی بیان کند که کدام ارگان مسئولیت نهایی تفسیر قانون اساسی را بر عهده دارد. نقش ستره محکمه در رسیدگی به مسائل انتخاباتی باید از طریق وضع شرایط مشخص برای مداخله (که به صراحت در قانون بیان شده باشند) واضح گردد. (توصیه 6 از سال 2009)
- باید قوانین لازم تصویب گردد و در آن وظایف، صلاحیت ها و منابع مورد نیاز شوراهای ولایتی و ولسوالی (که در قانون اساسی مقرر شده اند) تعیین گردد. (توصیه 7 از سال 2009)
- قانون جدید احزاب سیاسی باید شرایط بیش از حد اعضای دارای تخصص های مشخص را برای الحاق به احزاب محدود سازد و نباید از عضویت شهروندان در بیش از یک حزب جلوگیری نماید. (توصیه 12 از سال 2009)
- باید به تعدیل مکانیزم انتصاب کمیشنرهای کمیسیون مستقل انتخابات در قانون جدید تشکیلات این کمیسیون توجه جدی صورت گیرد، طوریکه از مشورتی بودن گسترده پروسه، ارتقای استقلال و نمایندگی کمیسیون مستقل انتخابات و ایجاد اعتماد نسبت به انتخابات تضمین به عمل آید. این امر می تواند شامل امکان نظر دهی، بررسی و یا تصدیق کاندیدهای پیشنهاد شده از سوی رئیس جمهور، توسط پارلمان باشد. (توصیه 17 از سال 2009)
- رئیس کمیسیون انتخابات نباید صرفاً توسط رئیس جمهور منصوب گردد، بلکه در انتصاب وی باید همان اطراف دخالته باشند که در انتصاب کمیشنرها در نظر گرفته شده اند. (توصیه 18 از سال 2009)
- کمیسیون مستقل انتخابات باید پس از انتخابات یک گزارش تهیه کند که شامل آموخته ها و توصیه ها جهت بهبودی انتخابات باشد. به عنوان بخشی از پروسه تهیه گزارش، باید بررسی ای از مقررات و تصامیم کمیسیون مستقل انتخابات از انتخابات سال 2009 انجام شود تا نواقص، تناقضات و هر عدم شفافیت موجود در پروسه، تشخیص و پیش از انتخابات آینده رفع گردند. در این بررسی باید تشخیص داده شود که کدام تصامیم می توانسته است مبتنی بر احکام قانونی باشد، مانند تصامیمی که پنداشته می شود به شیوه های سیاسی و سوگیرانه اتخاذ شده اند. نتایج حاصل از این بررسی را می توان در جلسات تسوید قانون انتخابات مورد استفاده قرار داد. (توصیه 22 از سال 2009)
- قانون باید الزامات لازم را برای شفافیت کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی در رابطه با طرز العمل ها، تصامیم و استدلالات آن، وضع نماید. همچنین تضمین های قانونی لازم باید در زمینه حافظت از عارضین و شهود تأمین گردد. (توصیه 35 از سال 2009)

- باید تاکید زیاد روی تضمین موضوعاتی چون: تفکیک میان مسائل عدالت انتقالی و انتخابات؛ و اینکه نه کمیسیون مستقل انتخابات و نه کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی باید مسئول تشخیص این باشند که چه کسی با گروه های مسلح غیرقانونی ارتباط دارد. نقش ارگان های انتخاباتی در ارتباط با گروه های مسلح غیرقانونی باید شدیداً مبتنی بر طرز العمل های مشخص باشد، قسمیکه اشخاصی را که ارگانهاییکه صلاحیت تشخیص افراد مظنون به ارتباط با گروه های مسلح غیر قانونی را دارند، معرفی میدارند، حذف نمایند. ارگان های انتخاباتی باید معلومات ارائه شده توسط کاندیدها را به مرجع ذیربط انتقال دهند تا تشخیص داده شود که آیا شخص مورد نظر با چنین گروه هایی ارتباط دارد یا خیر، صورت گیرد. (توصیه 50 از سال 2009).
- تا هنوز یک رویکرد دقیق به عدالت انتقالی (که شامل مکانیزم های مؤثر تعیین جرم باشد و از مراحل قانونی پیروی کند)، انکشاف داده نشده است. چنانچه از رویکرد انحلال گروه های مسلح غیرقانونی (دایاک) به عنوان مبنایی برای سنجش الزام قانونی مبنی بر عدم همکاری کاندیدها با گروه های مسلح غیرقانونی استفاده شود، آنگاه باید منابع بیشتر برای این پروسه اختصاص داده شود و شفافیت آن باید از طریق معلومات واضح در مورد طرز العمل ها و سنجش های گروه های مسلح غیرقانونی، گسترش یابد. (توصیه 51 از سال 2009)
- کاندیدهای محتمل، پس از ارائه درخواستنامه نامزدی، باید این حق را داشته باشند تا ببینند آیا نامشان در لست انحلال گروه های مسلح غیرقانونی است یا خیر. باید مدت زمان بیشتر در اختیار کاندیدها قرار داده شود تا از الزامات خلع سلاح پیروی کنند و سنجش پیروی یا عدم پیروی این اشخاص باید توسط "دایاک" اداره انحلال گروه های مسلح غیرقانونی" و با ضرب الأجل هایی انجام شود که زمان کافی برای انجام خلع سلاح و بررسی آن فراهم آورند. (توصیه 52 از سال 2009)
- قانون انتخابات باید طوری تعدیل گردد تا شفافیت بیشتر داشته باشد. این تعدیلات باید شامل رهنمودهای شفاف و فشرده برای پوشش رسانه ای کاندیدها و احزاب سیاسی در طول دوره کمپاین و بر اساس اصول پوشش منصفانه و غیرسوگیرانه باشد. رسانه های دولتی دارای تعهدات خاصی در طول دوره های انتخاباتی می باشند و این تعهدات باید به روشنی تعریف گردند. (توصیه 61 از سال 2009)
- قانون جدید رسانه ها باید در مطابقت به معیارهای بین المللی وضع گردد و احکام صریحی را در مورد بخشهای سمعی و بصری پیشبینی نماید. احکام مبهم در مورد معیارها در قانون باید یا درست توضیح گردند و یا هم حذف گردند و احکامیکه نهایت محدود کننده اند، باید لغوگردند. (توصیه 62 از سال 2009)
- نهاد تنظیم کننده رسانه ها باید از حکومت مستقل شود. صلاحیت و اختیارات این نهاد باید در قانون پیشبینی گردد و توسط یک دارالانشاء با امکانات مالی لازم اداره گردد. سمت های اساسی در این نهاد باید به شکل منصفانه وبدون مداخله سیاسی تعیین گردند. در دراز مدت این نهاد باید مسئولیت تنظیم فعالیت های رسانه ها را در جریان کمپاین بعهده بگیرد. (توصیه 63 از سال 2009)
- شفافیت قانونی باید در رابطه با صلاحیت های تعیین مجازات در رابطه با تخطی از اصول پوشش منصفانه و غیرسوگیرانه وجود داشته باشد. مسئله تداخل صلاحیت های قضایی نهادهای مقرر ساز باید مورد رسیدگی قرار گیرد. باید همکاری ها میان ارگان های مذکور و کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی افزایش یابد و طرز العمل باید بهبود یابند و تضمین گردد که به صورت عاجل به شکایات رسیدگی و مجازات های مقتضی تعیین می گردد. (توصیه 64 از سال 2009)
- در هماهنگی با پیشنهادات بین المللی در مورد تخطی های متعلق به افترا بستن و اهانت کردن اقدامات قانونی صورت گیرد و در نتیجه یک ارگان مستقل حقوقی و یا محکمه مدنی باید تاسیس گردد که میکانیزم مناسب و بر وقت را به خاطر رسیدگی به این نوع قضایا در نظر بگیرد. (توصیه 65 از سال 2009)
- حکم قانونی و مسئولیت های رسانه های دولتی باید در قانون تضمین گردد. مکانیزم های لازم باید برای تضمین استقلال آنها از مقامات و حسابدهی عامه، انکشاف داده شود و یک مکانیزم نظارتی نیز باید برای تضمین بی طرفی رسانه ها در ساختن برنامه ها شکل گیرد (توصیه 66 از سال 2009)
- احکام خاص قانون جدید انتخابات باید طوری تقویت گردد که گروه های خاص مانند کوچی ها، بیجاشده گان داخلی، افراد دارای معلولیت، زندانی ها و اشخاص در حال خدمت نظامی بتوانند در انتخابات شرکت نمایند. (توصیه 75 از سال 2009)
- حقوق و وظایف ناظران ملی و بین المللی، از جمله حق دسترسی به کلیه مراحل پروسه و اسناد مربوط به انتخابات، باید به صراحت در قانون جدید انتخابات بیان شود و حقوق و وظایف نباید منوط به احکام کمیسیون مستقل انتخابات باشد. (توصیه 83 از سال 2009)

- قانون انتخابات باید طوری تعدیل گردد که حقوق و مسئولیت های نمایندگان کاندیدان را، به شمول حق حاضر شدن در مرکز رأی دهی و حق دسترسی به انواع معلومات مربوط به پروسه، به وضوح بیان نماید. (توصیه 88 از سال 2009)
- نقش کمیسیون مستقل انتخابات در زمینه ابطال نتایج مراکز رأی دهی باید در قانون شفاف ساخته شود. کمیسیون مستقل انتخابات باید ملزم باشد تا استدلالات و تشریحات لازم را در رابطه با تصمیم خود برای همگان اعلام نماید. تصمیم به ابطال آراء باید منوط به شکایات ارائه شده به کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی باشد. (توصیه 112 از سال 2009)
- تاریخ های انتخابات در افغانستان باید تعیین گردد تا امکان تخصیص زمان طولانی برای بررسیهای بعد از انتخابات وجود داشته باشد. (توصیه 117 از سال 2009)
- باید یک رویکرد فعال و جامع برای تحقیقات مربوط به افترا وجود داشته باشد، زیرا محض اتکا به سمع شکایات و معلومات، کافی نمی باشد... طرز العملها باید در قوانین، رسمی شوند و تا زمانی که چنین قانونی تصویب می گردد، می توان این طرز العملها را در مقررات رسمی کمیسیون مستقل انتخابات گنجاند. طرز العملها باید کاملاً شفاف شوند. (توصیه 118 از سال 2009)
- قانون انتخابات باید به روشنی تشریح نماید که در صورت کناره گیری یک کاندید پیش از دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، چه کار باید کرد. ضرب الأجل های مربوط به کناره گیری باید در مقررات کمیسیون مستقل انتخابات واضح گردد. (توصیه 121 از سال 2009)
- قانون جزا را می توان تعدیل نمود، طوری که شامل ارجاعات قوی تر به تخطی های انتخاباتی، پوشش کمپاین ها، نظر سنجی و دوره بعد از انتخابات باشد. (توصیه 128 از سال 2009)

ساحه دارای اولویت 2: تقویت مکانیزم های حمایت از حقوق انتخاباتی

الف. اصول بین المللی

ماده 3.2 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می دارد که "برای هر شخصی که حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق در باره او نقض شده باشد، وسیله مطمئن احقاق حق فراهم بشود، هر چند که نقض حقوق به وسیله اشخاصی ارتکاب شده باشد که در اجرای مشاغل رسمی خود عمل کرده باشند... روش احقاق حق باید توسط مراجع اداری، قضایی یا تقنینی یا هر مرجع شایسته دولتی که موظف به این کار می باشد، تعیین گردد و امکانات احقاق حق قضایی باید فراهم گردد."

ماده 1.14 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به حق سمع منصفانه قضایای افراد احترام می گذارد:

"تمامی افراد در مقابل محاکم منسوی هستند... هر کسی حق دارد تا به دادخواهی او به شکل منصفانه و علنی در یک محکمه صالح، مستقل و بی طرف، طبق قانون رسیدگی بشود..."

تبصره عمومی 25 پاراگراف 2 بیان می دارد که:

باید... دسترسی به تدقیق قضایی یا سایر پروسه های معادل با آن وجود داشته باشد تا رأی دهندگان به امنیت ورقه های آراء و شمارش آنها اعتماد داشته باشند."

ب. توصیه های سال 2009 در رابطه با تقویت مکانیزم های حفاظت از حقوق انتخاباتی

- الف) انکشاف ظرفیت کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی. باید در رابطه با معیارهای بین المللی انتخابات و حل منازعات انتخاباتی، برنامه های آموزشی برگزار گردد. همچنین باید در زمینه مدیریت دوسیه، اداره قضایی و تکنیک های تحقیقاتی تنفیذ قانون (که برای طی مراحل قانونی و احقاق حقوق، مؤثر می باشند) حمایت لازم

صورت گیرد. افزون بر این، کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی باید رابطه خود را با ساختارهای قضایی و قانونی افغانستان انکشاف دهد.

ب. افزایش آگاهی از شکایات. این کار شامل تحقیق و آزمایش روش های مختلف تشریح نقش شکایات و همچنین نقش کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی برای اطراف دیدخل و ساده ساختن و مؤثر ساختن پروسه شکایات می باشد.

ج. نظارت. کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی باید به طور دائمی فعالیت های انتخاباتی، مانند ثبت نام رأی دهندگان و تصامیم و فعالیت های کمیسیون مستقل انتخابات را نظارت کند تا از انباشتن مشکلات جلوگیری به عمل آید. د. سهم گیری در پروسه اصلاح انتخابات. مفید خواهد بود که کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی منحصی ارگان ناظر، در انکشاف پلان های اصلاح انتخابات، به خصوص ارتقای تعادل و موازنه سیستم، سهم داشته باشد. ه. ارجاعات برای تفتیش. کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی آندسته از کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات را که در خلال ثبت نام رأی دهندگان، رأی گیری و شمارش آراء به اعمال غیرقانونی دست زده اند جهت تفتیش راجع می سازد (البته در صورتی که کمیسیون مستقل انتخابات قادر به انجام چنین کاری نباشد).

و. تحلیل بعد از انتخابات. کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی باید بعد از انتخابات یک تحلیل انجام بدهد؛ البته در صورتی که کمیسیون مستقل انتخابات قادر به انجام کامل این تحلیل نباشد. در سال 2009، این تحلیل می توانست شامل بررسی گسترده انواع تقلب (در ثبت نام رأی دهندگان، رأی گیری و شمارش آراء) باشد. (توصیه 30 از سال 2009)

- کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی باید از منابع گسترده تر در زمینه رسیدگی به شکایات و همچنین از ظرفیت قوی تر برای دریافت و رسیدگی به تعداد بیشتری از شکایات برخوردار گردد. این امر مخصوصاً در زمینه رسیدگی به موارد تقلب در آینده و ایجاد اعتماد نسبت به سیستم انتخاباتی مهم می باشد. باید تعیینات مناسب صورت گیرد و معاشات و آموزش های مناسب در اختیار کارمندان قرار گیرد تا کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی بتواند وظایف خود را به طور کامل انجام دهد. (توصیه 31 از سال 2009)
- کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی یک گزارش برای دوره بعد از انتخابات به همراه خلاصه طرز العمل ها، تصامیم و آموخته ها و توصیه های اصلاحی تهیه نماید. این گزارش همچنین باید شامل ذکر مسائل و مواردی باشد که امکان رسیدگی به آنها به دلیل محدودیت زمان و منابع وجود نداشت، تا کمبودی های پروسه و جهت گیری های آینده ثبت گردد. (توصیه 32 از سال 2009)
- باید به تبدیل کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی به یک ارگان دائمی توجه جدی صورت گیرد تا نظارت دائمی و جاری بر پروسه انتخابات فراهم گردد. با انجام این کار باید دانش و ظرفیت سازمانی کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی گسترش یابد و همچنین زمینه بهبود پیش بینی های قانونی فراهم گردد. در فاصله میان انتخابات، کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی می تواند ساختار خود را محدود سازد، اما باید در انکشاف ظرفیت خود فعالانه عمل کرده و آگاهی عامه را در مورد شکایات افزایش دهد. این امر باعث خواهد شد که نظارت بر سایر فعالیت های انتخاباتی وجود داشته باشد و به توسعه پروسه اصلاح انتخابات کمک خواهد نمود. کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی باید وظیفه نظارتی خود را در خلال تمامی مراحل چرخه انتخاباتی انجام دهد تا مشکلات در زودترین زمان ممکن مورد رسیدگی قرار گیرند و از انباشتن آنها در دوره رأی گیری و اعلام نتایج جلوگیری شود. (توصیه 33 از سال 2009)
- باید به تبدیل کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی به یک ارگان کاملاً ملی مستقل توجه صورت گیرد و در این راستا باید نکات مذکور در فوق و انکشاف یک مکانیزم انتصاب که متضمن فراگیری، بی طرفی و مسلکی بودن این کمیسیون باشد، را مد نظر قرار داد. ضروری است تا دخالت و همکاری های بین المللی به منظور انکشاف و نظارت بر ابعاد حیاتی انتخابات تداوم یابند. چنانچه شایستگی و تخصص کافی و اعتماد نسبت به سیستم محاکم وجود داشته باشد، مسئولیت های کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی باید نهایتاً به بخش قضاء واگذار شوند. (توصیه 34 از سال 2009)
- قانون باید کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی را ملزم به داشتن شفافیت کامل در رابطه با طرز العمل ها، تصامیم و استدلالات آن بسازد. قانون همچنین باید متضمن حفاظت از عارضین و شهود باشد. (توصیه 35 از سال 2009)

- کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی می تواند ابتکارات مبارزه با فساد را به شمول تعیین معاشات معقول، گسترش برنامه های آموزشی، کنترل معلومات و مکانیزم های نظارتی برای حفظ انسجام نهادها و سازمان ها، راه اندازی نماید. همچنین باید تضمین گردد که کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی یک نهاد دارای تشکیلات فراگیر می باشد. تشکیلات کمیسیون باید، برای مثال، شامل مدیر اجرایی، یک مشاور حقوقی، یک کارمند ثبت کننده، یک رئیس کارمندان و دارالانشاء، در میان سایر پست ها باشد. (توصیه 37 از سال 2009)
- باید به دسته بندی شکایات مربوط به کمپاین ها به شیوه مشابه به دسته بندی شکایات روز انتخابات، توجه صورت گیرد. شکایات باید بر اساس جدیت آنها دسته بندی شده و پروسه رسیدگی به شکایات باید از جدی ترین شکایات آغاز گردد. (توصیه 56 از سال 2009)
- کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی متیوانست کارهای وسیع آگاهی را با کاندیدان و نمایندگان آنان در مورد تخطی های انتخاباتی و تعزیرات، و اینکه شکایت به چه شکل باید صورت گیرد و به شکایات چگونه باید رسیدگی صورت گیرد، بعهده بگیرد. (توصیه 60 از سال 2009).
- باید در رابطه با صلاحیت های جزایی برای تخطی از الزامات پوشش منصفانه و غیر سوگیرانه شفافیت وجود داشته باشد. مسئله تداخل صلاحیت های قضایی ارگان های قضائی باید مورد رسیدگی قرار گیرد. باید سطح همکاری ها بین ارگان ها و کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی گسترش یابد و طرز العمل های این کمیسیون باید طوری تدوین گردند تا تضمین شود که شکایات از طریق مجازات های سریع مورد رسیدگی قرار می گیرند. (توصیه 64 از سال 2009)
- کمیسیون مستقل انتخابات باید یک رویکرد محافظتی را برای تحقیق در مورد علائم تقلب اتخاذ و در زمان مقتضی آراء را ابطال نماید. این کمیسیون باید از منابع کامل برخوردار باشد تا بتواند تحقیقات جامع و بموقع را پیش از برگزاری انتخابات آینده انجام دهد. (توصیه 113 از سال 2009)
- پیشاپیش، باید در رابطه با احتمال طولانی شدن دوره زمانی اعلام نتایج نهایی (در انتخابات آینده) معلومات شفاف در اختیار سهم گیرندگان قرار گیرد تا زمان کافی برای تحقیقات در مورد تقلب وجود داشته باشد. (توصیه 114 از سال 2009)
- در تحقیقات مربوط به تقلب در انتخابات، باید از یک روش جامع و فعال استفاده شود، زیرا بالای ابتکارات رسیدگی به شکایات و معلومات موجود اعتماد کم وجود دارد. این روش باید شامل تحقیقات گسترده در مورد مراکز رأی دهی که نتایج آنها مشکوک به نظر می رسد و مراکز رأی دهی مستقر در ساحاتی که بر آن نظارت محدود یا نظارت وجود نداشته است، و همچنین انتخاب تصادفی مراکز رأی دهی باشد. باید به طور گسترده تعدادی از مراکز رأی دهی (نه تنها مراکز رأی دهی دارای نتایج تقلب آمیز یا نشانه های تقلب) مورد ارزیابی قرار گیرند. این ارزیابی باید شامل بررسی معتمد بودن صندوق آراء، کلیه اوراق آراء (به شمول اوراق باطل، لست رأی دهندگان، جورنال مرکز و نتایج و فورمه های تلفیق شده) باشد. طرز العمل های ذیربط باید بواسطه قانون، رسمی شوند و تا زمان منظور شدن چنین قانونی، این طرز العمل ها باید در مقررات رسمی کمیسیون مستقل انتخابات گنجانیده شود. این طرز العمل ها باید کاملاً شفاف باشند. (توصیه 118 از سال 2009)
- مساعی قوی تر باید به منظور آگاهی اطراف ذیدخل از اهمیت شکایات و آماده ساختن آنها در مورد روش درج شکایات صورت گیرد. این مساعی باید در قالب یک اقدام درازمدت صورت گیرد و پیش از پروسه نامزد شدن کاندید ها آغاز گردد. این تلاش ها باید احزاب، کاندیدها، شاهدین و عامه مردم را هدف قرار دهند. استقلال و نقش کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی به عنوان یک ارگان تصمیم گیرنده باید به صراحت مورد تأکید قرار گیرد. (توصیه 119 از سال 2009)
- کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی باید از منابع کامل بهره مند گردد تا بتواند به قسم فعال از صلاحیت های رسیدگی به شکایات گسترده استفاده نماید. (توصیه 120 از سال 2009)
- شک یا تشخیص تقلب در یک مرکز رأی گیری باید توأم با ارزیابی اوراق رأی دهی در آن مرکز در عین انتخابات باشد. (توصیه 123 از سال 2009)
- باید یک تحلیل کامل از تقلبات انجام شود تا ماهیت فعالیت های متعدد تقلب آمیز شناسایی گردد و تشخیص داده شود که چه تغییراتی باید در آن به عمل آورده شود. در این تحلیل باید به ثبت رأی دهندگان، رأی گیری، شمارش آراء، ترانسپورت و امنیت مواد، علامت زدن و غیره توجه صورت گیرد. همچنین مهم است تا به فعالیت های تقلب آمیز در مراکز رأی دهی (که تحت تأثیر حکم هشتم

- سپتمبر کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی قرار نگرفته اند و یا کدام حکم دیگر این کمیسیون بالای آن صادر نشده است) توجه صورت گیرد. (توصیه 124 از سال 2009)
- باید اقدامات قوی تر در زمینه مبارزه با تقلب صورت گیرد، به شمول: ارائه رهنمودهای قوی تر برای کارمندان مراکز رأی گیری تا اطمینان حاصل شود که تنها کسانی ورق رأی دهی دریافت می کنند که نامشان در لست رأی دهندگان ثبت شده باشد، (البته این امر نیازمند ترتیب یک صفحه شمارش جهت استفاده در اسناد حساس می باشد)، و مهر کردن فورمه های نتایج و سپس پوش کردن آنها با نوار شفاف. در صورت امکان، در ولسوالیها و محلات رأی دهی که قبلا نتایج سنوال بر انگیزی داشته اند، باید بطور مسلسل از تعداد آرای ریخته شده در روز انتخابات وقتا فوقتا گزارش خواسته شود. (توصیه 125 از سال 2009)
 - باید از کاندیدهای آینده تقاضا شود تا در نزد عامه مردم متعهد به پیروی از طرز العمل سلوک مسلکی شود. اصول اخلاقی مشابه در انتخابات باید منحصی بخشی از آموزش کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات (به شمول کارمندان رأی گیری)، احزاب، کاندیدها، ادارات امنیتی دولتی و رسانه ها تطبیق گردد. (توصیه 126 از سال 2009).
 - کمیسیون مستقل انتخابات، ضمن توجه به استلزامات مالی، می تواند کارمندان خود را جهت کار به ساحه های دور از خانه هایشان انتقال دهد. کمیسیون مستقل انتخابات می تواند یک سیستم قوی تر برای نظارت از کار مراکز رأی دهی در طول روز انکشاف دهد و کارمندان سایر بخش های کشور را در این سیستم جذب نماید. (توصیه 127 از سال 2009)

ساحه دارای اولویت 3: تبدیل کمیسیون مستقل انتخابات به ارگان مدیریت انتخاباتی مستقل، مسلکی و بی طرف

الف. اصول بین المللی

ماده 25 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می دارد که: " شهروندان باید در انتخابات دوره ای که با آرای عمومی مساوی و مخفی انجام می گیرند، حق رأی دادن و انتخاب شدن را داشته باشند که این امر متضمن ابراز آزادانه اراده رأی دهندگان می باشد (با تأکید اضافی).

تبصره عمومی 25 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می دارد که:

"یک مرجع انتخاباتی مستقل باید به منظور نظارت از پروسه انتخابات و تطبیق منصفانه، بی طرفانه و مطابق با قوانین مقرر که در مطابقت با میثاق باشند، تشکیل گردد. پاراگراف 20 به دولت می پردازد: "امنیت صندوق های آراء باید تضمین گردد و آراء باید با حضور کاندیدها یا نمایندگان آنها شمارش شوند. امنیت آراء و شمارش آنها باید به طور مستقل صورت گیرد.. تا رأی دهندگان بالای امنیت آراء و شمارش آنها اعتماد داشته باشند."

قطعنامه 96/55 شورای عمومی ملل متحد از دولتها می خواهد تا:

" از طریق قانون گذاری، نهاد ها و مکانیزم های خود... شفافیت و بی طرفانه بودن پروسه انتخابات را تضمین نمایند. " این قطعنامه همچنین دولت را فرا می خواند تا "شفافیت نهادهای عامه را بهبود بخشد" و همچنین سطح حساسدهی در میان مقامات عامه را ارتقا دهد.⁴²

ب. توصیه های سال 2009 در مورد ایجاد کمیسیون مستقل انتخابات به عنوان یک ارگان مستقل، مسلکی و بی طرف برای اداره انتخابات

- باید در قانون جدید تشکیلات کمیسیون توجه جدی به تغییر مکانیزم انتصاب کمیشنر ها صورت گیرد تا از مشورت گسترده، ارتقای استقلال و نمایندگی کمیسیون و اعتماد نسبت به پروسه انتخابات تضمین به عمل آید. این پروسه می تواند شامل اخذ معلومات و کمک از پارلمان، تجدید نظر و تصدیق پارلمان از کاندیدهای پیشنهاد شده توسط رئیس جمهور، باشد. (توصیه 17 از سال 2009).
- رئیس ارشد انتخابات نباید صرفاً توسط رئیس جمهور منصوب گردد، بلکه اطراف ذیدخل در انتصاب وی باید به همان میزانیکه در انتصاب کمیشنرها سهم داشته اند، اشتراک کنند. (توصیه 18 از سال 2009)
- طرز العمل های رسمی باید مقرر گردد تا اطمینان حاصل شود که کلیه اسناد تنظیم کننده کمیسیون مستقل انتخابات مورد تصدیق رسمی قرار گرفته اند، به روشنی نوت نویسی و تاریخ اجرایی آن مشخص شده است و به طور سریع در اختیار مردم قرار گرفته اند. احکام این طرز العمل ها باید مدت زمان حفظ مقررات و پروسه تعدیل یا تعویض مقررات را مشخص سازند. (توصیه 21 از سال 2009).
- کمیسیون خدمات ملکی و پالیسی های انتصابات داخلی آن باید شامل احکام خاص برای تجویز تطبیق بموقع اقدامات کیفری، به شمول انفصال عاجل در مواردی که مقامات در تخلفات انتخاباتی دست داشته باشند یا به طور آگاهانه به دیگران اجازه شرکت در چنین تخلفاتی را بدهند، باشد. باید از شامل سازی مقامات انتخاباتی که مرتکب تخلف هستند، در لست سیاه شدیداً پیروی گردد و در صورت امکان به مراجع تفتیش کننده رجعت داده شوند. چنین طرز العمل هایی باید به خوبی در راستای غلبه بر فرهنگ مصونیت نشر و تبلیغ گردند. (توصیه 24 از سال 2009).
- افسران انتخاباتی ولایتی و کارمندان ساحوی باید تحت سرپرستی و نظارت دقیق تر باتاکید خاص بر ارزیابی امانتداری، بی طرفی و تخصص آنان به مثابه کارمندان انتخاباتی، قرار گیرند. تلاش ها بخرج داده شود تا ظرفیت های ارتباطاتی بین مسئولین دفتر مرکزی و افسران انتخاباتی ولایتی به شکل دوامدار، تقویت گردد.

⁴² - ماده های 1d(iv) و 1f(i) قطعنامه شورای عمومی ملل متحد در رابطه با ارتقا و تحکیم دموکراسی (A/Res/55/96) این قطعنامه توسط شورای عمومی ملل متحد در تاریخ 4 دسمبر سال 2000 با تأیید 157 رأی (به شمول افغانستان) و 16 رأی متنع منظور شد.

- همچنین باید به داشتن مأموران لوجیستیکی دائمی در سطوح ولایتی و منطقوی توجه صورت گیرد. (توصیه 25 از سال 2009)
- کار پلان گذاری استراتژیک، ضمن شناسایی اولویت های آینده، تشکیل بندی سازمانی و تأمین منابع، باید صورت گیرد. واحدهای مستقر در دیپارتمنت های دارالانشاء باید گسترش یابند تا مسئولیت های کلان تر را به عهده گیرند. واحد سیاسی باید نقش کلان تر در ثبت نام و سنجش کاندید ها و همچنین نظارت مالی بر کمپاین ایفا نماید. دیپارتمنت حقوقی باید تقویت گردد تا بتواند به شکایات مربوط به کمیسیون مستقل انتخابات رسیدگی کند و همچنین از طریق شبکه های قانونی، تقلبات در ثبت رأی دهندگان، رأی دهی، شمارش و جدول بندی آراء را پیگیری نماید. (توصیه 26 از سال 2009)
 - در چارچوب انکشاف تشکیلاتی و پلان گذاری استراتژیک می توان پست ها و شرایط کاری کارمندان را مورد تجدید نظر قرار داد تا وظایف، شایستگی ها و مهارت های لازم آنها در صورت لزوم تعدیل یابند. مشوق های تحصیلی و برنامه های اعطای سند تحصیلی (قید شده در قرار داد های پنج ساله) می توانند برای بهبود ایقای کارمندان باتجربه، مد نظر قرار گیرند. کلیه استخدامات و اصلاحات باید شدیداً مبتنی بر شایستگی و لیاقت باشد. باید برای کارمندان داخلی مورد نظر، تحصیلات رسمی و تصدیق نامه مسلکی، در زمینه هایی از جمله مدیریت پروژه، پلان گذاری، لوجیستیک و تدارکات در نظر گرفته شود. آموزش های احیای مجدد در زمینه تسوید قوانین و تدوین مقررات اداری نیز باید ارائه شود. (توصیه 27 از سال 2009).
 - مشاورین بین المللی، در صورت همکاری کامل کمیسیون مستقل انتخابات و تمایل آن به مشاوره دهی، باید به همکاری خود با دارالانشای کمیسیون مستقل انتخابات حداقل تا پایان سال 2010 (و احتمالاً بالاتر از آن) ادامه دهند، منوط به اینکه کمیسیون مستقل انتخابات متعهد به اصلاح و تطبیق انتخابات مطابق با معیار های بین المللی باشد. (توصیه 29 از سال 2009)
 - کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی باید بدون محدودیت به تأسیسات، کارمندان، مواد، اسناد، دیتابیس نتایج، ثبت های کمپیوتری، ثبت نتایج آراء (در قالب هایی که به سادگی قابل استفاده باشد) و غیره کمیسیون مستقل انتخابات دسترسی داشته باشد. (توصیه 36 از سال 2009).
 - باید برنامه های دسترسی جامع تر و مؤثر تر برای استخدام زنان در پست های کارگران مراکز رأی دهی، تلاشی، نظارت و همچنین آموزش مدنی و رأی دهی تطبیق گردد. در تطبیق این مساعی می توان از موسسات غیردولتی ای که دارای شبکه هایی در اجتماعات محلی می باشند، کمک گرفت. (توصیه 69 از سال 2009)
 - موقعیت مراکز رأی گیری باید مورد تجدید نظر قرار گیرد و نباید در اماکن مسکونی، به خصوص مربوط به کاندیدها یا مقامات دولتی هستند، باشد. لست مراکز رأی گیری و قوای امنیتی باید پیش از روز انتخابات ترتیب داده شود و سریعاً ارائه گردد و قابل از دید نباشند. (توصیه 96 از سال 2009).
 - طرز العمل های شمارش، جدول بندی و اعلام آراء برای کاندیدهای برکنار شده، باید به طور شفاف توسط کمیسیون مستقل انتخابات پیش از روز انتخابات وضع گردد تا از شفافیت پروسه اطمینان به عمل آید و از بروز اتهامات مبنی بر طرفداری از کاندیدهای خاص جلوگیری شود. این معلومات باید برای همگان اعلام و به طور گسترده نشر گردد. (توصیه 104 از سال 2009).
 - کمیسیون مستقل انتخابات باید معلومات لازم را از مراکز رأی گیری جمع آوری نماید. در رابطه با اینکه کدام مرکز رأی دهی باز بود و کدام یک بسته بود باید معلومات شفاف ارائه شود. کلیه نتایج اخذ شده باید در اختیار همگان قرار گیرد و سپس بنا به فیصله کمیسیون مستقل انتخابات نتایج هر کدام از مراکز رأی گیری باید نشانه تصدیق کمیسیون (به معنای نتیجه اولیه) را داشته باشد. نتایجی که به عنوان نتایج اولیه توسط کمیسیون تصدیق نشده اند، باید همراه با شرح دلایل عدم تصدیق و اینکه چه اقدامات تعقیبی صورت می گیرد، تسلیم گردد.
 - طرز العمل های تحقیقاتی، تفتیش و شمارش مجدد توسط کمیسیون مستقل انتخابات باید به طور شفاف به همراه مجازات ها، پیش از روز انتخابات، مشخص گردد. (توصیه 107 از سال 2009).
 - نتایج باید در قالب های دیجیتالی که به آسانی قابل استفاده باشند، در دسترس همگان قرار گیرند. (برای دانلود انترنتی و تحلیل آن). (توصیه 109 از سال 2009).
 - ملل متحد باید همچنان مسئولیت خود را مبنی بر اتخاذ رویکرد فعال در کمک به پروسه انتخابات حفظ نماید. این مسئولیت می تواند شامل برگزاری جلسات منظم با تمامی ادارات فراهم کننده مساعدت تخنیکی، به منظور بحث و در صورت امکان توافق روی زمینه های مسئولیت، فعالیت ها، پلان ها و پیشنهادات و توصیه های ادارات به همدیگر، باشد. (توصیه 133 از سال 2009)
 - باید مساعدهتها همزمان در زمینه انتخابات آینده و انکشاف ظرفیت های سازمانی در درازمدت وجود داشته باشد. پلان گذاری ها باید مبتنی بر مساعدت های چند ساله باشند. همچنین پلان هایی که تنظیم می شوند باید شامل

تجدید نظر گسترده بعد از هر انتخابات به منظور تشخیص آموخته ها و پلان گذاری مساعدت های بیشتر باشند. علاوه بر مشاورین بین المللی که با کمیسیون مستقل انتخابات همکاری می کنند، باید استراتژی های انکشاف ظرفیت نیز وجود داشته باشد. همچنین نقش مشاورین و مکانیزم های ابقای دانش در سازمان باید به روشنی تعریف گردد. (توصیه 135 از سال 2009)

ساحة دارای اولویت 4: انکشاف سیستم ثبت رأی دهندگان برای حفظ مصونیت و شفافیت انتخابات

الف. اصول بین المللی

تبصره عمومی 25 بیان می دارد که:

"دول عضو باید اقدامات مقتضی را برای تضمین اینکه کلیه افراد دارای حق رأی، قادر به اعمال این حق می باشند، انجام دهند. زمانی که نیاز به ثبت رأی دهندگان وجود داشته باشد، این عمل باید تسهیل گردد و کدام مانعی نباید برای آن وجود داشته باشد. در صورتیکه نیاز به ثبت آدرس رأی دهنده باشد، این اصل باید معقولانه باشد و نباید افراد بی خانمان از حق رأی دادن محروم گردند. باید بواسطه قوانین جزا و تنفیذ سخت گیرانه آنها، از مداخلات اجحاف آمیز در ثبت یا رأی دهی و همچنین جعل هویت یا اجبار رأی دهندگان به رأی دهی پرهیز شود. آموزش رأی دهی و کمپاین های ثبت نام رأی دهندگان برای تضمین حقوق قید شده در ماده 25 ضروری می باشد."⁴³

ب. توصیه های سال 2009 در زمینه انکشاف یک سیستم فراگیر ثبت آراء برای حفظ انسجام و درستی انتخابات

- به منظور بهبود اعتماد عامه مردم بالای پروسه ثبت رأی دهندگان و تضمین پایان فرهنگ مصونیت در تقلب در ثبت رأی دهندگان، کمیسیون مستقل انتخابات باید تحقیقاتی را در مورد تقلبات انجام داده و بر ضد کارمندان شهروندان متخلف وارد عمل شود. (توصیه 38 از سال 2009)
- کمیسیون مستقل انتخابات و یک گروهی از متخصصین بین المللی، با هدف انکشاف یک نقشه راه استراتژیک برای پروسه ثبت رأی دهندگان، باید یک تجدید نظر و تفتیش جامع از پروسه ثبت رأی دهندگان به عمل آورند. این تجدید نظر و تفتیش باید شامل موارد ذیل باشد:
 - تحلیل معلومات 2008/2009 و مقایسه نتایج با معلومات بدست آمده از بررسی پروسه ثبت آراء در سال 2004/2005 به منظور شناسایی ثبت های تکراری. از روی این معلومات می توان مشخص ساخت که آیا معلومات سال 2008/2009 آن قدر کافی می باشند که به عنوان مبنایی برای سیستم ثبت جامع در آینده مورد استفاده قرار گیرند یا خیر.
 - سنجش کیفیت ثبت نام بیومتریکی به منظور تشخیص اینکه آیا مناسب است تا باز هم از این شیوه برای جمع آوری معلومات در سیستم آینده استفاده نمود یا خیر.
- نتایج نقشه راه استراتژیک باید انجام یا عدم انجام موارد ذیل را مشخص کند:
 - ایجاد یک سیستم ثبت ملکی ایکه بتوان از آن لست های رأی دهندگان را استخراج نمود، و تعویض کارت های هویت ملی با کارتهای ثبت رأی دهندگان در مراکز رأی گیری
 - ادامه مساعی در راستای سیستم خوداتکای ثبت رأی دهندگان. (توصیه 41 از سال 2009)
- همه ثبت کنندگان، اعم از انانث و ذکور، باید روی کارت ثبت رأی دهی عکس خود را نصب کنند (تا از تقلب جلوگیری شود). این کار باید از طریق استخدام کارمندان انانث(که زنان تنها در روزهای مخصوص کار کنند)، کارمندان انانث موظف به کمپیوتری کردن معلومات و سایر مکانیزم هایی که نسبت به پروسه اعتماد بوجود می آورند (مانند کمپاین آموزشی قوی)، تسهیل گردد. (توصیه 42 از سال 2009)

- مساعی بیشتر باید به منظور جلوگیری از رأی دهی از طرف دیگران (توسط مردان برای زنان) و بهبود انسجام پروسه برای رأی دهندگان انانث صورت گیرد. این اقدامات، داشتن عکس روی کارتهای رأی دهی را الزامی می سازند. (توصیه 68 از سال 2009)
- کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی می تواند معلومات "تفکیک شده بلحاظ جنسیتی" را برای کلیه ولسوالی ها تهیه کند تا از مشارکت زنان نظارت به عمل آید، و مداخلات مناسب و بموقع انکشاف داده شود. همچنین باید معلومات مربوط به ثبت رأی دهندگان، کارمندان مراکز رأی گیری، مجوز های صادر شده و کارمندان انانث مراکز رأی دهی ثبت گردد (تا بتوان تعداد رأی دهندگان زن را مشخص و در مورد تقلبات تحقیق نمود). (توصیه 73 از سال 2009).
- کمیسیون مستقل انتخابات باید تلاش بیشتر کند تا فرصت های آموزشی، ثبت نام و رأی دهی را برای کوچیها فراهم نماید که چنین منابعیکه فراهم میشود همواره تحت نظارت قرار داشته باشد. (توصیه 77 از سال 2009)

ساحة دارای اولویت 5" مرزبندی های انتخاباتی مورد قبول

الف. اصول بین المللی

ماده 25 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حق هر شهروند می داند تا:

" شهروندان باید در انتخابات دوره ای که با آرای عمومی مساوی و مخفی انجام می گیرند، حق رأی دادن و انتخاب شدن را داشته باشند که این امر متضمن ابراز آزادانه اراده رأی دهندگان می باشد (با تأکید اضافی).

تبصره عمومی 25 با قید اصل برابر بیان می دارد:

"اصل یک نفر، یک رأی، باید تطبیق گردد، و در چارچوب سیستم های انتخاباتی هر کشور، رأی یک رأی دهنده باید برابر با رأی دیگری باشد. ترسیم مرزهای انتخاباتی و روش تخصیص آراء نباید پروسه توزیع رأی دهندگان را تحریف کند و نباید بر علیه هیچ گروهی تبعیض صورت گیرد و نباید به طور غیر معقولانه حق شهروندان برای انتخاب آزادانه نمایندگان مورد نظرشان محدود گردد یا از آنها گرفته شود.⁴⁴

ب. توصیه های سال 2009 در رابطه با مرزبندی انتخاباتی مورد قبول

- در صورتی که محدوده های موجود ولسوالی ها به میزان گسترده مورد قبول باشند و در صورتی که انتخابات در سال 2010 برگزار گردد، باید از آنها برای انتخابات شورای ولسوالی استفاده شود. (توصیه 43 از سال 2009)
- محدوده بندی قریه جات باید به شکل مناسب پلان گذاری، تأمین منابع و تطبیق گردد. کار تخنیکی در این زمینه، چنانچه قبل از سال 2010 تکمیل گردد، باید در سال 2009 آغاز شود. (توصیه 44 از سال 2009)

ساحة دارای اولویت 6: تقویت احزاب سیاسی مؤثر

الف. اصول بین المللی

ماده 22 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان می دارد که:

1. هر کس حق آزادی تشکیل اجتماعات با دیگران را دارد. این حق شامل تشکیل و پیوستن به اتحادیه های تجارتي برای حفاظت علاقه منديها و منافع خود، می باشد.

تبصره عمومی 25 بیان می دارد که:

"حقوق حفظ شده در ماده 25 مقتضی آزادی مشارکت در فعالیت سیاسی، به طور فردی یا از طریق احزاب سیاسی و سایر سازمان ها، می باشد... حق آزادی تشکیل اجتماعات، به شمول حق تشکیل و پیوستن به سازمان ها و انجمن های سیاسی و عامه، یکی از مستلزمات حقوق حفظ شده در ماده 25 می باشد. احزاب سیاسی و عضویت در آنها نقش مهمی در اجرای امور عامه و پروسه انتخابات دارد... اگرچه میثاق هیچ گونه سیستم انتخاباتی مشخص را وضع نمی کند، سیستم های دول عضو باید مطابق با حقوق حفظ شده در ماده 25 باشد و باید بیان آزادانه خواست رای دهندگان را تضمین و تنفیذ نماید.⁴⁵

اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های ملی، قومی، مذهبی و لسانی، مصوب در شورای عمومی ملل متحد⁴⁶ بیان می دارد:

"اشخاص متعلق به اقلیت ها از حق تأسیس و حفظ انجمن هابرای خود برخوردار می باشند."⁴⁷

شورای حقوق بشر ملل متحد توصیه های مربوط به اقلیت ها و مشارکت سیاسی مؤثر را تصویب نموده که بیان می دارد:

"احزاب سیاسی که عمدتاً مبتنی بر وابستگی ها و پیوندهای منطقی یا اقلیتی می باشند، نباید تنها به همین دلیل ممنوع قرار گیرند. معهدا، تنها می توان موانع محدودی در رابطه با دفاع از خشونت به منظور دستیابی به اهداف سیاسی یا در رابطه با تریبون های سیاسی که باعث آشوب یا تبعیض می شوند، وضع نمود."⁴⁸

ب. توصیه های سال 2009 در زمینه تقویت احزاب سیاسی مؤثر

- اطراف ذیدخل باید در این نکته تجدید نظر نمایند که آیا سیستم رای واحد غیرقابل انتقال مناسب ترین سیستم انتخاباتی برای پارلمان، شوراهای ولایتی و شوراهای ولسوالی می باشد یا خیر. زمان آن رسیده است که در مورد این مسئله تجدید نظر شود که آیا یک سیستم انتخاباتی بدیل که ایجاد احزاب سیاسی را تشویق و در عین زمان از حق کاندیدهای مستقل حمایت کند، میتواند مزایای بیشتری برای انکشاف دموکراسی پایدار داشته باشد یا خیر. (توصیه 11 از سال 2009).
- قانون جدید احزاب سیاسی نباید بیش از حد اعضای دارای تخصص های خاص را در زمینه پیوستن به احزاب محدود نماید و نباید شهروندان را از عضویت در بیش از یک حزب بازدارد. (توصیه 12 از سال 2009)
- معرفی مشوق های تمویل شده توسط دولت را می توان برای احزاب، بر اساس تعداد اعضاء و یا فیصدی آرای بدست آمده توسط آنها، مد نظر قرار داد. میزان این کمک های دولتی باید آنقدر زیاد باشد که بتواند تأثیر مثبت برجای بگذارد. این امر می تواند تشویق کاندیدها برای فعالیت در احزاب را تسهیل کند. (توصیه 13 از سال 2009)

⁴⁵ - تبصره عمومی 25، پاراگرافهای 25، 26 و 21.

⁴⁶ - قطعنامه 47/135، شورای عمومی ملل متحد، 18 دسمبر 1992.

⁴⁷ - ماده 2، پاراگراف 4.

⁴⁸ - شورای حقوق بشر ملل متحد، توصیه های نشست دوم تریبون "مسائل مربوط به اقلیت ها و مشارکت سیاسی مؤثر" پارگراف 33،

A/HRC/15/13، 2 فیروری 2010.

- رسانه ها می توانند برای اخذ پیشنهادات و برگزاری جلسات در مورد مسائل مطرح بین احزاب سیاسی، به آنها مراجعه کرده و نظرات و مباحثات را به صورت زنده از طریق رسانه های سمعی و بصری نشر نمایند. (توصیه 14 از سال 2009)
- باید حمایت قوی جهت انکشاف احزاب سیاسی تأمین گردد: که شامل انکشاف ساختار حزبی، آماده سازی اعلامیه حزبی، توسعه حزب، استراتژی های نظارتی، تقدیم شکایات و غیره از طریق آموزش و سایر رویدادها، باشد. (توصیه 15 از سال 2009)
- حمایت های مشخصی را برای احزاب سیاسی ای که از قومیت های متعددی ساخته شده اند و یا مرزهای قومی در آن وجود ندارد میتوان فراهم کرد و زنان و جوانان را به عضویت در احزاب سیاسی تشویق کرد. توصیه 16 از سال 2009)
- مساعدت تخنیکی و آموزش های اضافی که فراتر از ورکشاپها باشد، می تواند در اختیار کاندیدهای زنان قرار گیرد تا بتوانند در زمینه های ذیل مهارت کسب کنند: جلب حمایت مردم در حوزه های انتخاباتی، مهارت های خطابه در اماکن عمومی، مهارت های جذب کمک، وقت گرفتن از رسانه ها، ایجاد شبکه و آگاهی عامه. زنان با برخورداری از این مهارت ها می توانند فعالیت های کمپاین خود را بهبود بخشیده و از مردان و زنان بخواهند تا حمایت از کاندیدهای زن را در سرتاسر اجتماع افزایش دهند. (توصیه 70 از سال 2009)
- می توان برای کاندیدهای زن موفق مساعدت تخنیکی فراهم نمود تا توانایی آنها برای خدمت به حوزه انتخاباتی شان افزایش یابد و (چنانچه اوضاع امنیتی اجازه بدهد) کارکردهای عامه مثبتی از خود بر جای بگذارند. این کمک ها می تواند تا جای ممکن نمایندگان زن را در ایجاد روابط کاری با همتایان مرد خود یاری رساند. (توصیه 71 از سال 2009)
- می توان آموزش های مفید تر برای احزاب، کاندیدها و نماینده های آنها در مورد نقش و کار نماینده های کاندیدها و جمع آوری معلومات از آنها، تأمین کرد. استراتژی های نظارت توسط نماینده های کاندیدان در مراکز رای دهی، ثبت و استفاده از نتایج بدست آمده و ارائه شکایات می تواند در این برنامه های آموزشی شامل ساخته شود. (توصیه 90 از سال 2009).

ساحه دارای اولویت 7: تقویت نظارت داخلی منحيث ابزار ضروری برای بررسی موشگافانه انتخابات

الف. اصول بین المللی

تبصره 25 کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی چنین اظهار می دارد"

" شهروندان میتوانند از طریق برگزاری مراسم امور عامه و اعمال نفوذ در جلسات و گفتمان های عمومی با نمایندگان خود یا از طریق توانایی سازماندهی خود شان، در اداره امور عامه شرکت نمایند." ⁴⁹ این تبصره همچنین بیان می دارد که "پروسه رای گیری و شمارش آراء باید به طور مستقل بررسی شود... تا رای دهندگان نسبت به بررسی آراء و شمارش آراء اعتماد داشته باشند." ⁵⁰

در قطعنامه مربوط به تقویت نقش ملل متحد در ارتقای انتخابات معتبر و دوره ای، شورای عمومی ملل متحد تأکید می کند که:

"شفافیت اساس بنیادین انتخابات آزاد و عادلانه می باشد"، در این قطعنامه از "کمک های [...] موسسات غیردولتی در زمینه بهبود مؤثریت اصول انتخابات سالم و دوره ای" استقبال و بر "اهمیت نظارت بین المللی بر انتخابات برای ارتقای انتخابات آزادانه و عادلانه" اذعان می شود. ⁵¹

⁴⁹ - تبصره عمومی 25، پاراگراف 8.

⁵⁰ - تبصره عمومی 25، پاراگراف 20.

⁵¹ - قطعنامه شورای عمومی ملل متحد در زمینه تقویت نقش ملل متحد در ارتقای انتخابات سالم و دوره ای و ارتقای دموکراسی سازی، نشست شصت و چهارم، A/RES/64/155، 8 مارچ 2010.

ب. توصیه های سال 2009 در رابطه با تقویت نظارت داخلی منحيث ابزار ضروری برای بررسی موشگافانه انتخابات

- ظرفیت سازی برای موسسات غیردولتی زنان به منظور ایجاد یک جامعه مدنی که بتواند بر مشارکت زنان در پروسه انتخابات نظارت و از آن حمایت کند، باید در نظر گرفته شود. (توصیه 74 از سال 2009)
- دولت می تواند قانون موسسات غیردولتی و قانون سازمان های اجتماعی را در قالب یک قانون واحد تلفیق نماید که این قانون می تواند ناظر بر ثبت سازمان های غیردولتی، غیر انتفاعی و غیرسیاسی باشد. پروسه پیچیده ثبت و گزارش دهی (برای مثال، درخواستنامه ها باید تنها به یک اداره اجرایی تسلیم گردد) باید معقول و آسان ساخته شود و مقررات مربوط به دریافت کمک خارجی توسط سازمان های اجتماعی باید مورد تجدید نظر قرار گیرد. (توصیه 80 از سال 2009)
- جامعه بین المللی باید حمایت از انکشاف جامعه مدنی افغانستان را از طریق مساعدت تخنیکي برای انکشاف ظرفیت سازمانی و مدیریت موسسات غیردولتی و از طریق افزایش سطح آگاهی از اهمیت جامعه مدنی (به شمول آگاهی از اهمیت جامعه مدنی برای مقامات افغانستان) ادامه دهد. کمک ها می تواند به طور خاص برای آندسته از ولایات کشور اختصاص یابد که در آن فعالیت های جامعه مدنی ضعیف تر است. (توصیه 81 از سال 2009).
- موارد اعمال فشار به ناظران داخلی باید مورد تحقیق همه جانبه قرار گیرد و افراد مسئول باید در این زمینه جوابدهی کنند. (توصیه 82 از سال 2009)
- حقوق و مسئولیت های ناظران ملی و بین المللی و همچنین حقوق آنها مبنی بر دسترسی به کلیه مراحل پروسه و اسناد مربوط به انتخابات باید به وضوح در قانون انتخابات بیان شود و نباید منوط به مقررات کمیسیون مستقل انتخابات باشد. (توصیه 83 از سال 2009).
- ناظران بین المللی و ناظران داخلی غیروابسته، باید اصل بی طرفی را رعایت کنند. (توصیه 84 از سال 2009)
- تعیین و منظوری ناظرین داخلی از طرف کمیسیون مستقل انتخابات باید تا جائیکه ممکن است قبل از روز انتخابات نهائی گردد تا گروههای نظارتی بتوانند به موقع پلان پخش و استخدام ناظرین خود را بطور مؤثر انجام بدهند. (توصیه شماره 85 از سال 2009).
- ناظران داخلی باید توانایی شان را در زمینه ارائه شکایات و تعقیب پروسه های شکایات بهبود بخشند. (توصیه 86 از سال 2009)
- می توان مساعدت تخنیکي مداوم در اختیار ناظرین داخلی قرارداد تا پروسه نظارت و تحلیل نتایج بدست آمده، مقایسه نتایج ثبت شده با نتایج نشر شده توسط کمیسیون مستقل انتخابات، را به شکل قوی تر تطبیق کنند. می توان مساعدت سازمانی درازمدت برای بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه به علاوه مساعدت مالی و تخنیکي برای نظارت از انتخابات فراهم نمود. (توصیه 87 از سال 2009).
- قانون انتخابات باید طوری تعدیل یابد که به روشنی حقوق و مسئولیت های نمایندگان کاندیدها را به شمول حق حضور در مرکز رأی گیری و حق دسترسی به معلومات مشخص انتخاباتی در رابطه با پروسه را، بیان کند. (توصیه 88 از سال 2009)
- کمیسیون مستقل انتخابات باید اطمینان حاصل کند که اعتبارنامه های نمایندگان کاندیدها در مراکز رأی دهی حداقل دو هفته پیش از روز انتخابات صادر گردد (این کار نیازمند تعیین مهلت هایی برای طی مراحل درخواستنامه ها می باشد). (توصیه 89 از سال 2009)
- می توان برای احزاب، کاندیدها و نمایندگان آنها در زمینه نقش و کار نمایندگان کاندیدها و بدست آوردن معلومات از آنها، برنامه های آموزشی برگزار نمود. استراتژی های نظارت بر نماینده های کاندیدان در مراکز رأی گیری، ثبت و استفاده از نتایج بدست آمده و ارائه شکایات می تواند در این برنامه های آموزشی شامل ساخته شود. (توصیه 90 از سال 2009).
- مساعدت ها برای برقراری تعادل و موازنه پروسه اداره انتخابات باید جدا از کمک های مخصوص سازماندهی انتخابات، تنظیم و اداره شود تا از بروز تضاد منافع جلوگیری شود. این امر خصوصاً به کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی و ناظران داخلی آن و همچنین نماینده گان کاندیدهای احزاب و رسانه ها ارتباط میگیرد. همچنین، حمایت ها برای جامعه مدنی در زمینه آموزشهای عامه و رأی دهی می تواند از طریق مدیریت جداگانه کمک ها تقویت گردد. (توصیه 136 از سال 2009).

ضمیمه 2: اختصارات

EST	تیم حمایت از انتخابات
ICCPR	میثاق بین المللی ملل متحد در مورد حقوق مدنی و سیاسی
ICERD	کنوانسیون بین المللی رفع تبعیض نژادی
CEDAW	کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان
UDHR	اعلامه جهانی حقوق بشر
IEC	کمیسیون مستقل انتخابات
PEC	کمیسیون ولایتی انتخابات
ECC	کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی
PECC	کمیسیون ولایتی سمع شکایات انتخاباتی
MoD	وزارت دفاع
MoI	وزارت داخله
NDS	ریاست ملی امنیت
DIAG	انحلال گروه های مسلح غیرقانونی
ISAF	قوای امنیتی بین المللی
ANSO	دفتر امنیت موسسات غیردولتی افغانستان
AIHRC	کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
JCMB	بورد مشترک نظارت و انسجام
IDLG	اداره مستقل ارگان های محل
CSO	اداره مرکزی احصائیه
AGCHO	دفتر نقشه نگاری زمین افغانستان
FEFA	بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه
SNTV	رای واحد غیرقابل انتقال
NID	سند هویت ملی
IDP	بیجا شده گان داخلی

در مورد دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا

دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر نهاد مهم سازمان امنیت و همکاری اروپا می باشد که وظیفه آن همکاری با کشورهای عضو در زمینه های "تضمین رعایت حقوق بشر و آزادی های بنیادین، حاکمیت قانون، ارتقای اصول دموکراسی و (... به منظور ایجاد، تقویت و حفظ نهادهای دموکراتیک و همچنین ارتقای فرهنگ مدارا در جوامع مطابق به (سند نشست هلنکی در سال 1992) می باشد". این وظیفه به عنوان یکی از ابعاد انسانی کار سازمان امنیت و همکاری اروپا محسوب می گردد.

دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا، که در شهر وارسای کشور پولند مستقر است، در نشست پاریس (1990) به عنوان دفتر انتخابات آزاد تأسیس و فعالیت خود را در می 1991 آغاز نمود. یک سال بعد از تأسیس این دفتر، نام دفتر تغییر داده شد تا یک وظیفه گسترده را منعکس سازد و فعالیت هایش شامل حقوق بشر و دموکراتیزه کردن شود. در حال حاضر این دفتر بیش از 130 کارمند دارد.

دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا، نهاد پیشگام اروپا در عرصه نظارت بر انتخابات می باشد. هر سال، این دفتر هزاران ناظر را برای سنجش و ارزیابی انتخابات در اروپا مستقر می کند تا از مطابقت انتخابات با تعهدات سازمان امنیت و همکاری اروپا و سایر معیارهای بین المللی برای انتخابات دموکراتیک و قانون گذاری ملی نظارت به عمل آورد. این دفتر با به کارگیری روش منحصر به فرد خود، نظارت عمیق از پروسه انتخابات به عمل می آورد. دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر از طریق پروژه های امدادی، کشورهای عضو را در زمینه بهبود چهارچوب انتخاباتی آنها کمک می کند.

فعالیت های دفتر در زمینه دموکراتیزه سازی شامل موارد ذیل می باشد: حاکمیت قانون، حمایت از قانون گذاری، حکومتداری دموکراتیک، مهاجرت و آزادی تحرک و برابری جنسیتی. دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا سالانه تعدادی از برنامه های امدادی مورد نظر خود را با هدف انکشاف ساختارهای دموکراتیک تطبیق می نماید.

دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا همچنین کشورهای عضو را در زمینه تطبیق وظایف شان در عرصه ارتقا و حفاظت از حقوق بشر و آزادیهای بنیادین، در مطابقت با بعد انسانی تعهدات سازمان امنیت و همکاری اروپا، یاری می کند. این بعد فعالیت های دفتر از طریق همکاری با شرکای متعدد، ظرفیت سازی و تأمین تخصص در زمینه هایی مانند حقوق بشر در جنگ با تروریسم، بهبود حفاظت از حقوق بشری قربانیان قاچاق انسان، حق انسانی آموزش، حقوق انسانی نظارت و گزارشدهی، و حقوق بشری و امنیتی زنان تطبیق می گردد.

دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا، در زمینه مدارا و عدم تبعیض، از کشورهای عضو در عرصه تقویت توانایی شان برای مبارزه با جرایم و حادثات ناشی از نژاد پرستی، بیگانه هراسی، تبعیض علیه یهودیان و اشکال دیگر مدارا حمایت می کند. فعالیت این دفتر در زمینه مدارا و عدم تبعیض روی زمینه های ذیل متمرکز می باشد: قانون گذاری؛ آموزش در زمینه تنفیذ قانون؛ نظارت، گزارش دهی و تعقیب واکنش ها نسبت به جرایم و وقایع ناشی از بدبینی؛ و همچنین فعالیت های تعلیمی به منظور ارتقای مدارا، احترام و تفاهم متقابل.

دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا برای کشورهای عضو، در زمینه پالیسی سازی مطابق به قرارداد روما و سنتی (Roma و Sintı) مشاوره ارائه می کند. این دفتر ظرفیت سازی و شبکه سازی میان اجتماعات روما و سنتی Roma و Sintı ارتقا داده و نمایندگان این اجتماعات را تشویق به حضور در ارگان های پالیسی ساز می نماید.

کلیه فعالیت های دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر ضمن همکاری و هماهنگی نزدیک با کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا، نهادها و عملیات های این سازمان و همچنین سایر سازمان های بین المللی صورت می گیرد.

معلومات بیشتر در مورد این نهاد در سایت دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر موجود می باشد که در ذیل نشان داده شده است: www.osce.org/odhr